



دوستی با حق

قسمت اوّل : کلیّات

الف) اهداف

- ۱- هدف کلی : شناخت آثار محبت داشتن به خدا و تلاش برای تقویت رابطه محبت آمیز با او، دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا
- ۲- اهداف آموزشی :
 - درک توجه محبت آمیز خداوند به مخلوقات خود و از جمله انسان ها
 - تقویت رابطه دوستی انسان با خدا
 - تأثیر محبت انسان در تصمیم گیری ها و کارهای وی
 - تبیین دوستی با دوستان خداوند
 - تبیین تأثیر محبت داشتن به خداوند، در پیروی از او
 - شناخت رابطه تقابلی دوستی با خدا و دوری از دشمنان خدا
 - شناخت تأثیر دوستی با خدا در مبارزه با باطل.

ب) پیش دانسته ها

- ۱- رحمت و محبت عمومی خداوند
- ۲- زندگی حضرت ابراهیم (ع)
- ۳- اهل بیت پیامبر (ص).

ج) اصطلاحات علمی درس

- ۱- تولّی؛ یعنی، دوستی با خداوند و پیروی از او و کسانی که او فرمان دهد.

۲- تبرّی؛ یعنی، بیزاری از دشمنان حق و باطل اندیشان.

۳- کائنات؛ یعنی، مخلوقات و جهان آفرینش.

د) ارتباط با درس قبل

این درس با مرحله قبل که درس دهم در آن گنجانده شده است، ارتباط دارد. در آن درس، با مفهوم توکل آشنا شدیم و آموختیم که انسان متوکل، تصمیم‌ها و برنامه‌های خود را بهتر عملی می‌کند. در این درس، با یکی از برنامه‌های زندگی یعنی تولّی و تبرّی آشنا می‌شویم. تولّی و تبرّی از فروع دین است و هر انسان مسلمانی در کنار نماز، روزه، خمس و جهاد باید این حالت قلبی را در خود ایجاد کند و گرنه ایمانش ضعیف خواهد شد و نخواهد توانست اوامر خداوند را اطاعت کند و از دام شیطان رها شود.

ه) محورهای اصلی درس

- ۱- خداوند، موجودات جهان را براساس رحمت و محبت آفریده است و بر همین اساس، آن‌ها را به غایت و مقصودشان می‌رساند.
- ۲- قرآن کریم و ائمه اطهار (ع) اساس و پایه دین‌داری را محبت و عشق به خدا می‌دانند.
- ۳- محبت و دوستی، انسان را از خمودی درمی‌آورد و به پویایی و تحرّک می‌رساند.
- ۴- محبت به خداوند، باعث ایجاد محبت به دوستان خدا نیز می‌شود.
- ۵- محبت به خداوند سبب پیروی و اطاعت از او می‌شود.
- ۶- محبت به خداوند سبب بیزاری و تنفّر از دشمنان خدا می‌شود.
- ۷- محبت به خداوند سبب شکل‌گیری روحیه مبارزه با باطل در انسان می‌شود.

قسمت دوم : سازمان‌دهی فعالیت یاددهی — یادگیری

الف) ارزشیابی از درس قبل

در ابتدای تدریس، براساس موارد مشخص شده، درباره درس قبل، از دانش‌آموزان ارزشیابی به عمل می‌آید.

ب) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

علاوه بر ابتکارات شما دبیران محترم برای شروع برنامه و تدریس و ایجاد انگیزه برای تدریس، موارد زیر پیشنهاد می‌شود.

۱- جمله «آفرینش با رحمت و محبت آغاز شد» را روی تخته سیاه بنویسید و درباره آن گفت‌وگو کنید.

۲- از دانش‌آموزان بخواهید که خاطره‌هایی از دوستی‌های خود با دیگران بیان کنند.

۳- از دانش‌آموزان بخواهید برخی الطاف و محبت‌های خاص خداوند به آن‌ها یا اطرافیان‌شان را بازگو کنند.

ج) اجزای تدریس

در این درس باید به قسمت‌های زیر توجه کرد:

ردیف	اجزای تدریس
۱	قرائت و ترجمه آیات
۲	انجام فعالیت پیام آیات
۳	تبیین نقش محبت و محبت به حق
۴	ذکر نمونه‌ها
۵	تبیین تأثیر محبت به خدا در اطاعت از او
۶	انجام فعالیت خود کاوی
۷	تبیین تأثیر محبت به خدا در دوستی با دوستان او
۸	تبیین دو اثر دیگر محبت به خدا
۹	انجام فعالیت تطبیق
۱۰	توضیح درباره «بیشتر بدانیم»
۱۱	طرح گام پنجم

۱- قرائت و ترجمه آیات

در ابتدای تدریس، همچون درس‌های گذشته، قرائت آیات تمرین می‌شود.

تذکر: در تمرین قرائت همچنین باید تلفظ صحیح حروف ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع و غ مراعات گردد و در درس‌های بعد نیز ادامه یابد.

پس از تمرین قرائت، ترجمه آیات تکمیل می‌شود و به دانش‌آموزان نمره تعلق می‌گیرد.

۲- انجام فعالیت پیام آیات

دانش‌آموزان در آیات درس تدبر می‌کنند و به صورت فردی یا گروهی پیام آیات را به دست می‌آورند و جملات مربوط به آن را تکمیل می‌کنند.

پیام اول از آیه ۱۶۵ سوره بقره به دست می‌آید. در این آیه مشخص شده که انسان‌ها در دوستی خود دو دسته‌اند: دسته‌ای که محب و دوست خداوند هستند و دسته دیگری که به غیر او دل بسته و به آنها دوستی می‌ورزند. حال، این غیر می‌تواند انسان یا شیطان باشد و یا مال و جاه و شهوت که باز هم شیطان، مردم غافل را به سوی آنها وسوسه می‌کند.

پیام دوم از آیه ۳۱ سوره آل عمران به دست می‌آید. با تدبر در این آیه در می‌یابیم که لازمه دوستی به خداوند پیروی از دستورات اوست.

پیام سوم از آیه ۴ سوره ممتحنه استخراج می‌شود. حضرت ابراهیم (ع) و یاران ایشان به دشمنان خدا و بت پرستان گفتند که ما از خودتان و از آنچه می‌پرستید اعلام براءت و بیزاری می‌کنیم. پیام چهارم از همان آیه به دست می‌آید. میان دوستان خداوند و دشمنان خداوند همواره دشمنی برقرار است. همان‌طور که میان دوستداران عدل و دشمنان عدل (ظالمان) همواره دشمنی و مبارزه است.

۳- تبیین نقش محبت و محبت به حق

دبیر، در ابتدا این سؤال را مطرح می‌کند که چرا قرآن کریم از تقابل و درگیری سرسختانه و دشمنانه میان دوستان خدا (جبهه حق) و دشمنان خدا (جبهه باطل) سخن می‌گوید؟ برای ریشه‌یابی این مسأله لازم است ابتدا نقش محبت و کارکرد آن در وجود انسان را بررسی کنیم تا به پاسخ این سؤال برسیم.

در سال اول در درس‌های مربوط به ایمان آمد که انسان دارای دو کانون «عقل» و «قلب» است و گفته شد که هر جا قلب رود، اعمال و رفتار انسان هم به همان سمت می‌رود. در واقع، قلب جهت دهنده به فعالیت‌ها و کارهای انسان است.

البته، نکته مهم آن است که اگر قلب به چیزی محبت بورزد که عقل آن را خوب می‌داند، این یک محبت درست است. اما اگر چیزی را محبوب خود قرار دهد که عقل آن را تأیید نمی‌کند، آن یک

عشق غلط و ضرردهنده است.

محبوب باید آن چیزی باشد که واقعاً شایستهٔ انسان باشد. در همان سال اوّل دانستیم که حضرت ابراهیم، سخن دل همهٔ انسان‌ها را چنین بیان کرد که: «انی لا احب الاقلین» بنابراین چیزهای افول‌کننده و خوبی‌های کوچک و زودگذر در آن حدی نیستند که انسان به آنها دل بندد. خدا که منبع همهٔ زیبایی‌ها و خوبی‌هاست و هیچ‌گاه هم پایان نمی‌پذیرد، تنها محبوب حقیقی انسان است.

استفاه از مناجات‌ها و دعاهایی که نشانه‌های عشق و محبت معصومین (صلوات الله علیهم) به خداوند است و نیز خواندن اشعار مناسب، برای ملموس کردن عشق به خداوند و تأثیرگذاری بر قلب دانش‌آموزان مؤثر است.

۴- ذکر نمونه‌ها

این فعالیت هم می‌تواند هنگام تدریس انجام شود و هم می‌تواند به بعد از تدریس واگذار شود و از دانش‌آموزان بخواهیم که آن را در قالب یک تحقیق به کلاس بیاورند.

توجه: تحقیق دانش‌آموزی اگر فقط یک صفحه یا نیم‌صفحه هم باشد، کافی است. افزایش تعداد صفحات، میل به انجام تحقیق را در بیشتر دانش‌آموزان خاموش می‌کند و فقط یکی دو نفر دانش‌آموز ممتاز توانایی انجام آن را دارند. برخی نمونه‌ها که دبیر می‌تواند در کلاس به آن اشاره کند:

تصمیم حضرت ابراهیم بر قربانی کردن فرزندش، بنا به فرمان خداوند.

مناجات‌های حضرت علی(ع)، از جمله دعای کمیل و بخصوص برخی از عبارت‌های آن.

مناجات خمس عشر امام‌زین‌العابدین(ع)

تمام رفتارهای امام حسین(ع) در روز عاشورا

جملهٔ حضرت زینب به ابن‌زیاد: «ما رأیت الا جمیلاً».

۵- تبیین تأثیر محبت به خدا در پیروی از او

اثر اول، پیروی از خداوند است. این هم یک موضوع طبیعی است که باید با مثال‌های معمولی آن را نشان دهیم. همان پدر و مادر را در نظر بگیریم. فرزندی که غیر از رابطهٔ معمولی فرزند با پدر و مادر، آنها را دوست دارد، انجام دادن دستورات آنها را نیز دوست دارد. یعنی فرمان پدر و مادر را نه تنها به خاطر این اطاعت می‌کند که آنها رنجیده نشوند، بلکه خودش دوست دارد که کار آنان را انجام دهد و چهرهٔ رضایتمند و شاد آنان را ببیند. همین حالت، در مراتب بسیار بالاتری برای کسانی که حقیقتاً به خدا عشق می‌ورزند، وجود دارد.

این تذکر مهم را همین جا باید بدهیم که همین اطاعت، میزان و معیار تشخیص دوست حقیقی از دوست تقلبی است. خیلی‌ها به همین بسنده می‌کنند که بگویند ما خدا را دوست داریم. اما وقتی وارد زندگی آنها می‌شویم، از نماز و مناجات با خدا خبری نیست و به دستورات خدا کاملاً بی‌توجه‌اند. به برخی از جوانان چنین القاء شده که علاقه قلبی به خدا کافی است، دل باید پاک باشد و با خدا پیوند داشته باشد، اطاعت و پیروی از فرمان‌های او و عمل صالح چندان اهمیت ندارد. ما باید بکوشیم این نگرش غلط را اصلاح کنیم. این عقیده تحریف شده مسیحیت است که متأسفانه محبت بدون عمل را وارد فرهنگ دینی کرد تا آن جا که برخی عشق بدون اطاعت ائمه اطهار و به خصوص امام حسین (ع) را مایه نجات دانستند. اما همان‌طور که گفته شد، محال است که محبت واقعی بیاید و اطاعت از محبوب را به دنبال نداشته باشد.

۶- انجام فعالیت خودکاو

این فعالیت برای آن است که هرکس با خود محاسبه نفس داشته باشد و به بررسی وضعیت خود بپردازد که آیا آنجا که ادعای دوستی می‌کند، آثار دوستی را هم به دنبال دارد یا نه. این خودکاو حتماً باید انفرادی صورت گیرد و هرکس که تمایل داشت نتیجه آن را بیان کند.

در این فعالیت، اصل مهم آن است که بکوشیم دانش‌آموزان برداشت صادقانه خود را بیان کنند تا میزان تأثیرگذاری افزایش یابد و بتوانند خود را اصلاح کنند.

۷- تبیین تأثیر محبت به خدا در دوستی با دوستان او

اثر دوم، دوستی با دوستان خداست. در اینجا باید از مثال‌های روزمره محیط پیرامون دانش‌آموزان استفاده کنیم. ابتدا باید تذکر دهیم که دوستی و معاشرت معمولی در اینجا مورد نظر نیست. بلکه محبت و عشق است که سبب می‌شود هرکس که محبوب شما را دوست داشته باشد، شما هم او را دوست بدارید. مثلاً ما به پدر و مادر خود علاقه داریم و گاهی این علاقه در حد عشق و محبت است. به طور طبیعی کسانی که به پدر و مادر ما بیشتر ابراز لطف و محبت می‌کنند، مورد علاقه ما هم هستند. کسانی در دنیا که خدا را محبوب و معشوق خود قرار داده‌اند، نوعی قرابت و دوستی با یکدیگر احساس می‌کنند که مشابه آن در جای دیگر دیده نمی‌شود.

۸- تبیین دو اثر دیگر محبت

اثر سوم بیزاری از دشمنان خداست. دبیر ابتدا باید توضیح دهد که محبت به هر چیز، بیزاری از ضد آن را به دنبال دارد. علاقه به عدل، دشمنی با ظلم را در خود دارد. علاقه به بوی خوش، تنفر از بوی بد را می‌آورد. کسی که یکی از همکلاسی‌های خود را انسان صادق و درستکاری می‌بیند و از صمیم

قلب به او علاقه دارد، از کسی که از روی حسادت و عناد به آن دوست بدی می‌کند، متنفر است. از همین جا تذکر می‌دهیم که: اگر ما به کسی علاقه داشتیم و با دشمن او هم دوست بودیم و به او هم واقعاً محبت می‌ورزیدیم، معلوم می‌شود که یا فرد اول را قلباً دوست نداریم یا فرد دوم را درست نمی‌شناسیم و چهره واقعی او برای ما روشن نشده است.

این نکته در موضع‌گیری‌های فرهنگی، سیاسی و سایر ابعاد اجتماعی بسیار اهمیت دارد و تعیین‌کننده است. کسی که به نظام اسلامی خود علاقه‌مند است، محال است که با نظام‌هایی در دنیا که کمر همت به نابودی این نظام بسته‌اند، دوستی بکند، برای آنها کار بکند و به آنها فایده و سود برساند. رفتار بسیاری از ایران پرست‌های ساکن اروپا و آمریکا این گونه است که در حرف ادعای عشق به میهن را دارند ولی نه تنها هیچ فداکاری به خاطر این عشق خود نمی‌کنند و سرگرم زندگی خوش و راحت خود هستند، بلکه در خدمت کسانی هستند که نقشه‌های پیچیده برای تجزیه کشور، وابسته کردن آن به آمریکا و تضعیف ایران انجام می‌دهند.

ما باید دانش‌آموزان خود را به گونه‌ای تربیت کنیم که همچون مجاهدان دفاع مقدس، خط خود را همواره از دشمنان جدا کنند. دشمن‌شناسی آنها بسیار قوی باشد و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی خود را حتی در مواردی که انتقادی است، به گونه‌ای انجام دهند که دشمنان اسلام را ناامید گردانند و امکان هیچ‌گونه سوء استفاده‌ای به آنها ندهد.

نکته مهم دیگر اینکه: یکی از تبلیغات استکبار و زمامداران ظالم جهانی در کشورهای ضعیف نگه‌داشته شده این است که «دشمن تراشی و دشمن ستیزی مربوط به دوره توحش انسان است. دوره تمدن جدید، دوره آشتی کردن همه با هم است، این طور نیست که یک طرف حق باشد و یک طرف باطل، آری، آدم‌ها اختلاف نظر دارند، اما این گونه نیست که یکی بر حق باشد و دیگر بر باطل؛ لذا دشمنی معنا ندارد». این تبلیغ که در قالب‌های بسیار نامرئی و گاه با نظریه‌پردازی فلسفی، جامعه‌شناختی و تبیین فرهنگی همراه است، نتیجه‌اش تسلیم فرهنگی و سیاسی جوامع تحت ستم در مقابل ستمگر است که نمونه‌های فراوان آن را هم اکنون در دنیا می‌بینیم.

آخرین اثر، مبارزه با دشمنان خدا و تسلیم آنها نشدن است. ابعاد مختلف این دو اثر در پیام برائت امام خمینی در سال ۱۳۶۶ به روشنی و با تحلیل عمیق باز شده است. همچنین شهید مطهری در کتاب حق و باطل، با تحلیل نبرد دائمی و تاریخی میان آن دو، مبارزه مستمر با باطل را جزء ذاتی دینداری دانسته است، که البته هم امام خمینی و هم شهید مطهری این دیدگاه خود را از قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم و اهل بیت بزرگوار ایشان بهره گرفته‌اند.

۹- انجام فعالیت تطبیق

این فعالیت برای افزایش بصیرت و توانایی دانش‌آموزان در «دشمن‌شناسی» است. به همان اندازه که شناخت دوست اهمیت دارد، شناخت دشمن نیز مهم است. در حقیقت، این دو شناخت، دو روی یک سکه است. شناخت خدا باید با شناخت شیطان همراه باشد. آنان به تطبیق آموخته‌های خود بر جریان‌ات پیرامون خود می‌پردازند. دبیر می‌تواند با ایجاد شرایط مناسب برای بحث و گفت‌وگو، به درک درست دانش‌آموزان کمک کند و آنان را به تحلیل درست از موقعیت جهان و دشمنان واقعی خداوند برساند. انجام این قبیل فعالیت‌ها، سبب می‌شود که دبیر دینی فرصتی پیدا کند که دربارهٔ دوستان واقعی اسلام و دشمنان واقعی آن در سطح جهان روشن‌گری کند و به دانش‌آموزان آگاهی دهد.

نکته مهم: وقتی به بررسی جریان‌ات اجتماعی در سطح جهان می‌پردازیم، می‌بینیم که حق، دشمنان کوچک و بزرگی دارد که برخی تابع و مطیع برخی دیگرند. یعنی جبههٔ باطل، در عین پراکندگی، نوعی اتحاد علیه حق دارند که با محوریت یک باطل بزرگ، ضربه‌های خود را در عالم به حق و حق‌طلبی می‌زنند. امام خمینی با تحلیل عمیق و درست، محور باطل در جهان امروز را هیأت حاکمهٔ امریکا دانست و او را شیطان بزرگ نامید. تشخیص محور و رأس جبههٔ باطل بسیار اهمیت دارد. زیرا گاهی آنان جبههٔ حق را درگیر باطل‌های کوچک می‌کنند تا از باطل بزرگ غافل شوند.

امیرمؤمنان (ع) در دورهٔ خلافت ظاهری خود، رأس جبههٔ باطل را معاویه و باند بنی‌امیه می‌دانست و معتقد بود که آنان نه تنها به اسلام عقیده ندارند، بلکه در پی آنند که بنیان‌های اسلام را تخریب نمایند. به همین جهت از همان ابتدا به خلع معاویه اقدام کرد و برنامهٔ جدی برای مقابله سیاسی و فرهنگی با آنها داشت. اما باز شدن جبهه‌های کوچک فرعی در مقابل او مانند اصحاب جمل و خوارج، مانع می‌شد که ایشان بتوانند همهٔ قوا و امکانات و فرصت و زمان را در مقابله با دشمن اصلی بسیج کند و همین امر سبب تضعیف تدریجی جبههٔ حق گردید.

انجام این فعالیت باید به شناخت بهتر چهرهٔ واقعی بزرگ‌ترین دشمن اسلام در این زمان، کمک نماید.

۱۰- توضیح دربارهٔ «بیشتر بدانیم»

این متن به بررسی برخی از آسیب‌های اجتماعی می‌پردازد که ناشی از محبت بدون معرفت است. ضروری است که یک بار توسط دبیر در کلاس توضیح داده شود.

۱۱- طرح گام پنجم

این گام که برنامه دیگری از برنامه‌های یک انسان دیندار است، ثمره و نتیجه آموزش درس است که یک بار به نحو نمادین در کلاس اجرا می‌شود. این برنامه شامل چند جزء است :

جزء اصلی : تلاش برای عمیق‌تر شدن رابطه محبت‌آمیز با خداوند

اجزاء فرعی :

- ۱- تلاش برای عمل به دستورات خداوند
- ۲- تلاش برای دوست داشتن و محبت ورزیدن به دوستان خداوند
- ۳- تلاش برای شناخت دشمنان خداوند و دشمنی بیشتر با آنها
- ۴- مبارزه عملی با دشمنان خداوند

(د) اندیشه و تحقیق

در این قسمت سه تمرین طرح شده است.

در تمرین اول، دانش‌آموزان باید راه‌های تقویت محبت به خداوند را ذکر کنند؛ مانند تفکر در آیات الهی، استفاده از مناجات‌ها و اشعاری که در حمد و ثنای خداست، استفاده از سخنرانی‌ها، استفاده از فیلم‌های مناسب و آموزنده و ...

در تمرین دوم، راه‌های بیزاری و دوری از باطل و باطل صفتان خواسته شده، مانند شناخت مصداق‌ها و نمونه‌های باطل و تحقیق پیرامون رفتار آنان، بررسی عواقب و سرنوشت باطل پیشگان، استفاده از سخنرانی‌ها و فیلم‌های مناسب و ...

تمرین سوم، دربارهٔ صداقت در دوستی است. دانش‌آموزان براساس آنچه در این درس آموخته‌اند، باید بتوانند توضیح دهند که چه کسی در دوستی با خدا صادق است و چه کسی صادق نیست.

پاسخ این است که دوستی با خداوند، آثار و تجلیاتی دارد که اگر این آثار و تجلیات موجود باشد، شخص می‌تواند دریابد که در دوستی با خدا صادق است. آثار دوستی با خدا در درس توضیح داده شده است؛ پس، کسی می‌تواند بگوید با خدا دوست است که ببیند واقعاً دوستان خدا را هم دوست دارد نه کسانی را که اهل فساد و گناه‌اند؛ همچنین، از دستورات خداوند پیروی می‌کند نه اینکه دست به گناه می‌زند و هر بار هم آن را توجیه می‌کند؛ راه رسیدن به خدا را دوست دارد و بالاخره، با کسانی که دشمن خدا هستند، دشمنی قلبی و عملی دارد.

هـ) پیشنهاد

پیشنهاد اول، دربارهٔ مبارزات پیامبران و امامان با زشتی‌ها و ستم‌کاری است. دانش‌آموزان می‌توانند با مراجعه به قرآن کریم و کتاب‌های تاریخی و سیره‌ها، نمونه‌هایی از این مبارزات را یادداشت کرده و در کلاس بازگو کنند. این فعالیت به دانش‌آموزان نشان می‌دهد که چگونه عشق و محبت پیامبران و امامان به خداوند، آنان را به مبارزه‌ای سرسختانه و همیشگی با بدی‌ها و زشتی کشانده است.

پیشنهاد دوم، دربارهٔ مبارزات امام خمینی (ره) است که در زمان ما و عصر حاضر اتفاق افتاده است تا دانش‌آموزان توجه کنند که یکی از پیروان بزرگ پیامبر اکرم (ص) در عصر حاضر چگونه راه ایشان (آن حضرت) را پیموده است.

و) ارزشیابی از میزان یادگیری

موارد زیر باید در ارزشیابی این درس مورد پرسش قرار گیرد:

- قرائت و ترجمه آیات
- استخراج پیام آیات
- تبیین جایگاه محبت در زندگی
- تبیین محبت به خدا
- انجام فعالیت ذکر نمونه‌ها
- تبیین آثار چهارگانهٔ محبت به خداوند
- انجام فعالیت خودکاوی
- انجام فعالیت تطبیق
- توضیح قسمت «بیشتر بدانیم»
- پاسخ به سؤال‌های اندیشه و تحقیق
- انجام پیشنهادها
- مشارکت و همکاری در تدریس
- داشتن دفتر کار منظم

قسمت سوم : تمهیدات

الف) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

معلم می‌تواند از اطلاعات زیر در هنگام تدریس استفاده کند.

۱- کلمهٔ حَبّ و مشتقات آن ۹۵ بار در قرآن کریم آمده است و در چهل آیهٔ قرآن، با استفاده از کلمه‌های «حَبّ» و «لایحَبّ» به صراحت گفته شده است که خداوند چه کسانی را دوست دارد و چه کسانی را دوست ندارد.

۲- نکاتی از مرحوم علامه طباطبائی دربارهٔ حَبّ و عشق الهی :

«حَبّ عبارت است از علاقهٔ بین محب و محبوب یا به عبارتی انجذاب بین علت و معلول یا شبیه به آن؛ پس، ما افعالمان را دوست داریم تا به وسیلهٔ آن استکمال یابیم و چیزهایی را هم که متعلق به افعال ماست، دوست داریم. محبت به «طبیعی»، «خیالی»، «موهوم» و «عقلی» تقسیم می‌شود.

— خداوند از هر جهت که حساب شود، اهلیت دوست داشتن را دارد؛ چون کمال مطلق است، هستی او بالذات است و ما متناهی هستیم و حَبّ متناهی به نامتناهی ذاتی است و از بین نمی‌رود. همچنین خدا بر ما انعام می‌کند؛ آن هم به نعمت‌های غیرمتناهی از نظر عدد و زمان؛ پس ما به همین دلیل او را دوست داریم؛ همان‌طور که هر منعم دیگر را به خاطر انعامش دوست داریم.

— چون حَبّ یک رابطهٔ وجودی است، پس هر چیزی خود را دوست می‌دارد و چون هر محبتی همهٔ تعلقات محبوب خود را دوست دارد، پس، خداوند به این جهت که خود را دوست دارد، خلق خود را نیز دوست دارد»^۱.

۳- تولّی و تبرّی در همهٔ موجودات

آیت‌الله جوادی آملی از مرحوم خواجه نصیر نقل می‌کند که «آنچه در نوع جمادات به نام دفع و جذب هست، در گیاهان نیز وجود دارد»، آنگاه خودشان توضیح می‌دهند که «چون اگر سنگی یا خاکی بخواهد لعل شود، در بدخشان یا عقیق اندر یمن، ناچار است خاک‌های مستعد و مناسب را جذب و مواد ناسازگار را دفع کند». در واقع تولّی و تبرّی در گیاهان و جمادات به صورت جذب و دفع است. «در حیوانات به صورت غضب و شهوت درمی‌آید؛ از این دقیق‌تر می‌شود و به صورت محبت و عداوت جلوه می‌کند و از این مقدار بالاتر می‌آید، دقیق‌تر می‌شود و به صورت ارادت و کراهت ظهور می‌کند از همهٔ اینها گذشته اگر خیلی دقیق و لطیف شد، به صورت تولّی و تبرّی جلوه می‌کند که این از

۱- تفسیر المیزان : ج ۱، ص ۶۱۸ به بعد (با کمی تصرّف).

ویژگی‌های خواص اولیای حق و مؤمنان الهی است».^۱

۴- هرکس در قیامت با محبوب خود محشور می‌شود؛

روزی یکی از اعراب نزد رسول خدا (ص) آمد و از قیامت و صحنه محشر سؤال کرد؛ حضرت فرمودند: «برای قیامت چه حاضر کرده‌ای؟»

گفت: «چیزی ندارم اما خدا و رسولش را دوست دارم.»

پیامبر (ص) فرمود: «انسان با چیزی که دوست دارد، محشور می‌شود».^۲

باید ببینیم درونمان چه چیزی می‌خواهد و محبوبش چیست؛ زیرا با همان محشور می‌شویم.

۵- رابطه محبت‌آمیز حضرت ابوطالب و حضرت علی (ع) نسبت به پیامبر (ص)

زمانی که رسول خدا (ص) و یارانش در شعب ابی‌طالب در محاصره کفار بودند و خطر ترور پیامبر بسیار جدی بود، ابوطالب برای حفظ جان ایشان کارهای مختلفی انجام می‌داد؛ از جمله اینکه شب‌ها به دور از چشم دیگران، محل خواب پیامبر را تغییر می‌داد و به فرزندش علی (ع) می‌گفت که در بستر پیغمبر بخوابد و به او یادآوری می‌کرد که این کار را برای حفظ جان پیامبر می‌کند. علی (ع) نیز در جواب می‌فرمود: «من از این کار راضی هستم و تو را اطاعت می‌کنم.»

۶- صلوات بر پیامبر و اهل بیتش، نشانه محبت به ایشان است؛ به همین جهت پیشوایان ما بر آن تأکید کرده‌اند و فضیلت‌های بسیاری برای آن ذکر فرموده‌اند.

امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - فرموده‌اند: اَثَقُلُ مَا يُوضَعُ فِي الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ^۳؛ سنگین‌ترین چیزی که در میزان در روز قیامت قرار داده می‌شود، صلوات بر محمد و اهل بیت اوست.

رسول خدا (ص) می‌فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ سَيَّارَةً مِّنَ الْمَلَائِكَةِ إِذَا مَرَّوْا بِخَلْقِ الذِّكْرِ قَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: اُقْعِدُوا فَإِذَا دَعَا الْقَوْمَ آمَنُوا عَلَى دُعَائِهِمْ، فَإِذَا صَلُّوا عَلَى النَّبِيِّ صَلُّوا مَعَهُمْ حَتَّى يَغْرُقُوا ثُمَّ يَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ طُوبَىٰ لَهُؤُلَاءِ يَرْجِعُونَ مَغْفُورًا لَهُمْ^۴؛

خدا کاروانی از فرشتگان دارد که همواره در حرکت‌اند. وقتی به حلقه‌های ذکر می‌رسند، برخی

۱- حکمت عبادات: ص ۲۳۹ به بعد.

۲- حکمت عبادات: ص ۲۴۸.

۳- سفینه البحار: ج ۲، ص ۴۹.

۴- جلاء الافهام: ص ۲۳۸.

از آن‌ها می‌گویند، بنشینید. چون اهل جلسه دعا کنند، فرشتگان آمین گویند و چون صلوات بر پیامبر فرستند، با آن‌ها صلوات می‌فرستند تا این که تمام شود؛ سپس، برخی از ملائکه به برخی دیگر می‌گویند: «خوشا به حال این افراد که جلسه را ترک می‌کنند، در حالی که آمرزیده شده‌اند.»

رسول خدا (ص) می‌فرماید:

الصَّلَاةُ عَلَيَّ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي تَذْهَبُ النَّفَاقُ^۱.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ يَسْأَلْ حَاجَتَهُ ثُمَّ يَخْتِمُ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ يَقْبَلَ الطَّرْفَيْنِ وَ يَدْعَ الْوَسْطَ إِذَا كَانَتْ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَا تُحْجَبُ عَنْهُ^۲.

«کسی که درخواستی و حاجتی از خدا دارد، باید ابتدا بر محمد و آل محمد صلوات فرستد؛ سپس، درخواست خود را بیان کند و بار دیگر بر محمد و آل محمد صلوات فرستد. خداوند عزوجل کریم‌تر از آن است که دو طرف دعا را قبول کند و دعای وسط را فروگذارد. البته این در صورتی است که شخص از صلوات در حجاب نباشد.»

زیدبن حارثه از رسول خدا (ص) چیزی درخواست کرد؛ رسول خدا (ص) فرمود:

صَلُّوا عَلَيَّ وَاجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ وَ قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ^۳.

رسول خدا (ص) فرمود:

مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَى آلِي لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ^۴.

مَنْ شَمَّ الْوَرْدَ الْأَخْضَرَ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ وَ عَلَى آلِي فَقَدْ جَفَانِي^۵.

كُلُّ كَلَامٍ لَا يُذَكِّرُ اللَّهَ فِيهِ فَيُبْدَأُ بِهِ وَ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَهُوَ أَقْطَعُ مَمْحُوقٍ مِنْ كُلِّ بَرَكَهٍ^۶.

ب) منابع برای معلم و دانش‌آموز

۱- جاذبه و دافعه علی (ع)؛ استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا (برای معلم و دانش‌آموز)

۱- سفینه البحار: ج ۲، ص ۲۴۹.

۲- مرآة العقول: ص ۸۶ و ۹۶.

۳- سنن نسائی: ج ۳، ص ۴۹.

۴- مرآة العقول: ج ۱۷، ص ۹۶.

۵- لئالی الاخبار: ج ۲، ص ۱۵۲.

۶- جلاء الافهام: ص ۲۴۵.

- ۲- دیوان حافظ (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۳- تفسیر المیزان؛ (ترجمه فارسی) علامه طباطبائی، جلد اول (برای معلم)
- ۴- سیره نبوی؛ مصطفی دلشاد تهرانی، انتشارات وزارت ارشاد (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۵- فروغ ابدیت؛ استاد جعفر سبحانی، دفتر تبلیغات حوزه علمیه (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۶- نهضت امام خمینی؛ سیدحمید روحانی (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۷- سلام بر خورشید؛ سیدعلی اکبر حسینی (برای دانش‌آموز)



فضیلت آراستگی

قسمت اول: کلیات

الف) اهداف

- ۱- هدف کلی: آشنایی با ارزشمندی آراستگی ظاهری همراه با عفاف در اسلام و گرایش به این آراستگی و عفاف
- ۲- اهداف آموزشی:
 - آشنایی با نظر پیشوایان دین درباره آراستگی ظاهر و توصیه‌های آنان در این مورد
 - آشنایی با تأثیر آراستگی و پاکیزگی بر زندگی فردی و اجتماعی
 - درک رابطه آراستگی باطن و ظاهر
 - شناخت رابطه آراستگی حقیقی و عفاف
 - شناخت رابطه عزت، آراستگی و عفاف
 - درک صحیح رابطه پوشش، عفاف و عزت
 - تبیین درست رابطه نیاز به مقبولیت، و پوشش و آراستگی

ب) پیش‌دانسته‌ها

- ۱- حجاب به عنوان یک وظیفه شرعی در اسلام
- ۲- مفهوم محرم و نامحرم؛ دانش‌آموزان می‌دانند که محرم کسی است که به پوشاندن موی سر در مقابل او نیازی نیست و نامحرم کسی است که باید در مقابل او حجاب داشت اما در اصطلاح علمی، محرم کسی است که ازدواج با او حرام است و رعایت حجاب در مقابل او ضروری نیست و نامحرم کسی است که ازدواج با او جایز است و تا قبل از ازدواج، رعایت حجاب در مقابل او ضروری است.

ج) اصطلاحات علمی درس

- ۱- آراستگی؛ مجموعه‌ای از پاکي، نظم، تناسب و زیبایی است که هم برای روح و باطن انسان و هم برای جنبه‌ ظاهري و جسمانی او ضروری است.
- ۲- عفاف؛ استقامت در مقابل شهوت و کنترل کردن آن است؛ به گونه‌ای که در رفتار انسان جلوه‌گر می‌شود و دیگران رفتار عفیفته او را مشاهده می‌کنند و حرمت او را نگه می‌دارند.
- ۳- عزت نفس؛ انسان به طور طبیعی و فطری خود را گرامی می‌دارد و تحقیر و کوچکی را نمی‌پذیرد. هم‌چنین، تمایل دارد که دیگران نیز او را گرامی بدارند. اگر کسی نفس خود را به خاطر امیال یا هوس‌ها، در معرض تحقیر قرار دهد، به یک رذالت اخلاقی دچار شده است.
- ۴- ظاهر و باطن؛ وجود انسان دارای دو جنبه‌ ظاهر و باطن است. خصوصیات اخلاقی و ملکات نفسانی و روحی، جنبه‌ باطنی انسان است و رفتارهایی که از او سر می‌زند، جنبه‌ ظاهري اوست.
- ۵- نیاز به مقبولیت؛ هر انسانی تمایل دارد دیگران او را بپذیرند و روی او حساب کنند.

د) ارتباط با درس قبل

این درس، حاوی برنامه‌ دیگری است که اجرای آن به دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود. پیش از این گفتیم که برنامه‌های دینی در سه محور ارتباط با خدا، ارتباط با خود و ارتباط با دیگران تنظیم می‌شود. در درس یازدهم که برنامه‌ دوستی با خدا مطرح شد، مشخص گردید که این برنامه، دو محور ارتباط با خدا و ارتباط با دیگران را پوشش می‌دهد. این برنامه نیز شامل دو محور است: یکی در ارتباط با خود که همان رسیدن به عفاف و عزت نفس است و دیگری در ارتباط با دیگران که همان حفظ عفت اجتماعی و اخلاقی جامعه است.

هـ) محورهای اصلی درس

- ۱- اسلام بر پاکیزگی و آراستگی تأکید می‌کند و پیشوایان دین، انسان‌هایی پاکیزه و آراسته بوده‌اند.
- ۲- علاوه بر آراستگی در جامعه، آراستگی در خانه و در هنگام عبادت نیز مورد تأکید اسلام است.
- ۳- میان نوع آراستگی در ظاهر و آراستگی در باطن، ارتباط وجود دارد.

۴- انسان صاحب عزّت و صاحب عفت، اندام ظاهری خود را وسیله خودنمایی قرار نمی‌دهد.

۵- عفاف، یکی از عوامل مهم حفظ بنیان خانواده است.

۶- از آنجا که زیبایی در زن عموماً بیش از مرد است، توجه به عفاف برای او ارزشمندتر و مقدس‌تر است.

۷- انسان عزیز و عفیف به دیگران اجازه نمی‌دهد از شخصیت ظاهری او سوء استفاده کنند.

۸- نیاز به مقبولیت از نیازهای فطری هر انسان به‌خصوص در دوره نوجوانی و جوانی است. انسان صاحب عزّت می‌کوشد که با شکوفا کردن استعدادهای خود، تحسین دیگران را برانگیزد.

۹- انسان صاحب عزت نمی‌پسندد که با تغییرات ظاهری، توجه دیگران را به خود جلب کند.

قسمت دوم : سازمان‌دهی فعالیت یاددهی — یادگیری

الف) ارزشیابی از درس قبل

در ابتدای تدریس، بر مبنای موارد تعیین شده، از درس قبل ارزشیابی به عمل می‌آید.

ب) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

دبیران محترم توجه داشته باشند که درس دوازدهم و سیزدهم در مورد آراستگی و حجاب است. درس دوازدهم به آراستگی و عفاف می‌پردازد و بحث حجاب در درس سیزدهم مطرح می‌شود؛ بنابراین، نباید در درس دوازدهم بر روی مسئله حجاب متمرکز شد. برای ورود به این درس، شرایط محیطی و منطقه‌ای، بسیار مؤثر است؛ به همین جهت، ابتکارات شخصی دبیران، با توجه به موقعیت کلاس آن‌ها، نقش اصلی را در تدریس برعهده دارد؛ در عین حال، پیشنهادهای زیر نیز ارائه می‌شود.

۱- نوشتن حدیث ابتدای درس و گفت و گو درباره آن

۲- بحث درباره توجه به آراستگی و نظافت در جامعه و در میان مسلمانان؛ این بحث که امکان اظهارنظر درباره شرایط فعلی مسلمانان را به دانش‌آموزان می‌دهد، فرصتی ایجاد می‌کند تا آنان به نقد و بررسی جامعه خود بپردازند و توجه کنند که اگر ضعفی وجود دارد، مربوط به اسلام نیست بلکه از مسلمانان است.

اجزای تدریس

این درس شامل اجزای زیر است :

ردیف	اجزای تدریس
۱	قرائت و ترجمه آیات
۲	پیام آیات
۳	تبیین سیره پیشوایان در آراستگی
۴	انجام فعالیت همفکری
۵	تبیین تناسب میان ظاهر و باطن
۶	انجام فعالیت ذکر نمونه ها
۷	تبیین رابطه عفاف و عزتمندی با آراستگی
۸	انجام فعالیت تفکر در آیات
۹	انجام فعالیت بررسی
۱۰	بررسی رابطه مقبولیت و آراستگی

۱- قرائت و ترجمه آیات

در ابتدای تدریس، قرائت آیات تمرین می شود و ترجمه آیات تکمیل می گردد.

۲- انجام فعالیت پیام آیات

بعد از قرائت و ترجمه آیات، نوبت به تدبیر در آنها می رسد تا عبارت های داده شده را تکمیل نمایند و آیات مربوط به آنها را مشخص کنند.

بنابر آیه ۳۲ سوره اعراف، خداوند نعمت ها و زینت های جهان را بر بندگان خود حرام نکرده است.

بنابر آیه ۳۲ سوره اعراف، مؤمنان باید از نعمت های خدادادی استفاده کنند. البته باید این نعمت ها را از راه حلال به دست آورده باشند.

بنابر آیه ۳۲ سوره اعراف زینت ها و نعمت های آخرت، اختصاص به مؤمنان دارد.

بنابر آیه ۳۳ سوره اعراف، زشتکاری (چه آشکار و چه پنهان)، گناه، سرکشی و تجاوز،

شرک به خدا و نسبت دروغ به خدا دادن بر مؤمنان حرام است.
بنابر آیه ۳۶ سوره اعراف، هدف از پوشش و حجاب، اول، حفظ ناپسندی‌های انسان و تقوا و دوم، آراستگی می‌باشد.
بنابر آیه ۲۶ سوره اعراف، اگر انسان به لباس تقوا آراسته باشد، خواهد توانست پوشش و لباس ظاهری را که دین تعیین کرده، حفظ نماید.

۳- تبیین سیره پیشوایان در آراستگی

پس از استخراج نظر قرآن کریم درباره آراستگی، نوبت به سیره پیشوایان ما می‌رسد. بیان دیدگاه قرآن و سیره معصومین سبب می‌شود که دانش‌آموزان دریافت درست و شفافی از دیدگاه اسلام به دست آورند و متوجه شوند که اسلام میان دو موضوع جمع کرده است: آراستگی و عفاف.
انسان مسلمان، در عین آراسته بودن، حجاب و عفاف خود را حفظ می‌کند.

توجه دادن دانش‌آموزان به این نکته، سبب دوری آنان از افراط و تفریط و اهمیت دادن به یکی و کنار گذاشتن دیگری می‌گردد. اقتضای سنی دانش‌آموزان است که به زیبایی و آراستگی بیشتر توجه کنند و موضوع عفاف برای آنها در درجه دوم اهمیت باشد. به همین جهت اگر احساس کنند که اسلام به آراستگی توجه کرده و به این گرایش طبیعی پاسخ مثبت داده، علاقه‌مندی آنها به اسلام افزایش می‌یابد و پذیرش حکم حجاب برای آنها آسان‌تر می‌شود.

دبیر، باید علاوه بر موارد ذکر شده در کتاب، موارد دیگری از سیره معصومین را برای دانش‌آموزان بیان کند تا اطلاعات آنها افزایش یابد.^۱

نکته دیگر، آراستگی در عبادت است که می‌تواند در دیدگاه دانش‌آموزان نسبت به عبادت هم مؤثر باشد. عمل عبادت که به ظاهر کاری با آراستگی ندارد و یک عمل معنوی است، در اسلام با آراستگی کاملاً گره خورده است. زیرا میان ظاهر و باطن انسان رابطه است. کسی که با ظاهری ژولیده به نماز می‌ایستد، از بی‌توجهی خود نسبت به خدا و یا روح در هم ریخته خود خبر می‌دهد. دانش‌آموز درمی‌یابد که دینی که به آراستگی در هنگام عبادت اهمیت می‌دهد یک دین واقع‌گرا و متعادل است. او اندک اندک باید متوجه شود که میان آراستگی و بی‌بند و باری تفاوت است. بی‌بند و باری در هر جا و هر مورد از نظر خداوند پسندیده نیست، اگرچه در عبادت باشد. مثلاً کسی که فکر کند چون عبادت خوب است، هر جا که رسید، روی هر زمینی هر چند نجس یا غصبی، نماز بخواند مورد قبول نیست. این، بی‌بند و باری در عبادت است. بی‌بند و باری در آراستگی نیز مورد قبول نیست. آراستگی در منزل با آراستگی در خیابان

۱- برای اطلاعات بیشتر در این مورد به قسمت تمهیدات مراجعه کنید.

متفاوت است و انسان بی‌بند و بار کسی است که میان این دو تفاوت قائل نمی‌شود.

۴- انجام فعالیت همفکری

پس از توضیحات دبیر، دانش‌آموزان با مشورت با یکدیگر، آثار فردی و اجتماعی پاکیزگی را برمی‌شمردند و در جدولی یادداشت می‌کنند. دبیر نتیجه هم‌اندیشی بعضی گروه‌ها را می‌بیند، درباره آنها اظهار نظر می‌کند و در ضمن کار، نمره این فعالیت را برای آنها ثبت می‌کند.

توضیح دبیر درباره ارتباط ظاهر و باطن هر انسان؛ یکی از لغزشگاه‌های مهم افراد معمولی، عدم درک درست ظاهر و باطن است که معلم باید با شکافتن این موضوع مسئله را برای دانش‌آموزان روشن کند. برخی می‌پندارند که ظاهر اهمیتی ندارد و انسان به هر صورتی که بود مهم نیست؛ می‌تواند هر لباسی را بپوشد یا ظاهر خود را به هر شکلی درآورد؛ در حالی که رفتار آدمی همواره تجلی حالات درونی اوست و کمتر پیش می‌آید که این مورد صدق نکند؛ مثلاً، اگر کسی در باطن، انسان عفیفی باشد، همواره به گونه‌ای در جامعه ظاهر می‌شود که عفت و پاک‌دامنی از ظاهر او هویداست و هر قدر این عفت درونی سست شود، عفت بیرونی و ظاهری نیز سست‌تر می‌شود. باید به دانش‌آموزان توضیح داد که پاکی درونی، امری تو خالی نیست؛ پاکی درونی یعنی داشتن عزت و عفت و احساس تسلیم و بندگی در مقابل خدا و دوست داشتن چیزی که خدا می‌پسندد و دوست نداشتن چیزی که خدا دوست نمی‌دارد و از آن ناخشنود است.

۵- تبیین تناسب میان ظاهر و باطن

طرح این بحث برای حل یکی از آسیب‌هایی است که برخی از افراد گرفتار آن هستند. به خصوص جوانان که بیشتر تحت تأثیر احساسات خود هستند و گرایش دارند که ظاهر خود را به رخ دیگران بکشند، برای توجیه عمل خود می‌گویند دل انسان باید عفیف باشد و دنبال گناه نرود و ظاهر اهمیت چندانی ندارد.

اینان توجه ندارند که حکم حجاب برای آن است که دختران از تعرض انسان‌های فاسد محفوظ بمانند و کسی که به طرف بی‌حجابی می‌رود، خود را در معرض تیر آنها قرار می‌دهد.

هر دختری می‌تواند به پیرامون خود بنگرد و ببیند که پسران بی‌بند و بار بیشتر چه دخترانی را تهدید می‌کنند. کلمه بیشتر برای آن است که کسی نگوید من فلان دختر با حجاب را دیدم که توسط پسران بی‌بند و بار تهدید می‌شد.

۶- انجام فعالیت ذکر نمونه‌ها

پس از توضیحات معلم، دانش‌آموزان به صورت گروهی یا فردی فعالیت «بیان نمونه‌ها» را انجام

می‌دهند. در این فعالیت آنان به ذکر نمونه‌هایی از هماهنگی میان ظاهر و باطن می‌پردازند؛ بدین صورت که با ذکر نمونه‌های ظاهری از فعالیت‌ها، طرز رفتار، نوع زندگی، نوع معاشرت، انواع تصمیم‌ها و حالات افراد توضیح می‌دهند که این حالات ظاهری، بیان‌کننده کدام ویژگی باطنی است.

۷- تبیین رابطه عفاف و عزتمندی با آراستگی

عزتمندی و عفاف دو خصلت درونی و باطنی است که به میزانی که این دو صفت در انسان قوی باشد، در ظاهر انسان تأثیر می‌گذارد.

لازم است دبیر بکوشد که این دو صفت ارزشمند را که از نظر اسلام کلید بسیاری از رفتارهای پسندیده هستند، در جوانان تقویت کند.

کسی که حاضر است کلمه ناسزایی به دوست خود بگوید و به راحتی همان کلمه را نسبت به خود بشنود، عزت خود را لکه دار کرده است. این شخص نمی‌تواند بگوید من در درون خودم عزیز هستم و اگر در ظاهر فحش می‌دهم یا فحش می‌شنوم، ارتباطی به باطنم ندارد.

همین حالت برای همه رفتارهای انسان هست. مثلاً کسی که حس کنجکاوی او قوی است، آرام و قرار ندارد و از تفریح و گردش و وقت‌گذرانی می‌گذرد و فقط به مطالعه و تحقیق و آزمایش می‌پردازد. اگر کسی بگوید من خیلی به علم علاقه دارم اما در ظاهر به دنبال آن نمی‌روم، دیگران سخن او را نمی‌پذیرند و اشتباه می‌دانند.

ما باید از طریق تقویت عزتمندی و تحریک دانش‌آموز از این زاویه، او را به سمت تکالیف اجتماعی و حرمت گذاشتن به دیگران و خود سوق دهیم.

۸- انجام فعالیت تفکر در آیات

برای انجام این فعالیت، لازم است تعدادی قرآن در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد و آنان به صورت گروهی و فردی، آیه‌های ۲۳ تا ۲۶ سوره قصص را مطالعه کنند و رفتار همراه با عفاف حضرت موسی (ع) و دختران شعیب (ع) را برشمرند و یادداشت کنند. پس از یادداشت کردن نظریات دانش‌آموزان، برخی از آنها در کلاس مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرند؛ گروه‌ها نظریاتشان را می‌خوانند و معلم توضیحات ضروری را به آنان می‌دهد.

۹- انجام فعالیت بررسی

این فعالیت نیز که توسط دانش‌آموزان انجام می‌گیرد، برای ارزیابی میزان انطباق پوشش افراد با احکام اسلامی است. در این فعالیت، دانش‌آموزان به نقد و بررسی این موضوع می‌پردازند و در این نقد و بررسی، هر کس خود را نیز به طور غیر مستقیم ارزیابی می‌کند و نقاط ضعف و قوت خود را بهتر می‌شناسد.

۱۰- بررسی رابطه مقبولیت و آراستگی

موضوع آراستگی از دیدگاه دیگری نیز قابل بررسی است و آن، نیاز به توجه و تحسین دیگران است. هرکس برای رسیدن به این هدف، راهی را در پیش می‌گیرد. کسانی که روحیه‌ای قوی و باطنی متعادل دارند، با شکوفا ساختن استعدادهای درونی خود، تحسین دیگران را برمی‌انگیزند اما انسان‌های حقیر با به‌کارگیری روش‌های ناپسند، دست به این کار می‌زنند و در نهایت، برخی وضع ظاهری خود را وسیله جلب توجه دیگران قرار می‌دهند. البته در بسیاری از موارد هم این کار به طور ناخودآگاه انجام می‌گیرد و اگر در این باره از این افراد سؤال شود، برای کار خود دلایل دیگری می‌آورند. معلم درباره این موضوع صحبت می‌کند و نکات لازم را توضیح می‌دهد.

د) اندیشه و تحقیق

در تمرین اول، تفاوت‌های آراستگی و خودنمایی را که یکی از مهم‌ترین آن‌ها کوچکی نفس در خودنمایی و سلامت نفس در آراستگی است، برمی‌شمرند. در تمرین دوم، دانش‌آموزان براساس آموخته‌های خود توضیح می‌دهند که چگونه خودنمایی باعث از میان رفتن عزت نفس می‌شود. تمرین سوم، درباره تدبیر در آیات قرآن است؛ دانش‌آموزان با استفاده از سوره‌های مریم و یوسف، جلوه‌های عفت و پاک‌دامنی را در زندگی این دو بزرگوار یادداشت می‌کنند.

هـ) پیشنهاد

پیشنهاد اول، برای توجه دادن دانش‌آموزان به الگوهی صحیح و نقد الگوهای منفی است.
پیشنهاد دوم، برای تأمل با خویش و نقد و ارزیابی خود و محاسبه نفس است.

و) ارزشیابی از میزان یادگیری

موارد زیر برای ارزشیابی از این درس پیشنهاد می‌شود:

- قرائت و ترجمه آیات
- توانایی در تدبیر در آیات
- انجام فعالیت پیام آیات
- تبیین سیره و سخنان معصومین در آراستگی
- انجام فعالیت همفکری

- تبیین موضوع تناسب ظاهر و باطن در آراستگی
- انجام فعالیت ذکر نمونه‌ها
- تبیین رابطه عفاف و عزتمندی با آراستگی
- انجام فعالیت تفکر در آیات
- انجام فعالیت بررسی
- تبیین رابطه درست مقبولیت و آراستگی
- پاسخ به سؤال‌های اندیشه و تحقیق
- انجام فعالیت‌های بخش پیشنهاد
- همکاری و مشارکت در هنگام تدریس
- دفتر کار منظم

قسمت سوم : تمهیدات

الف) دانستنی‌های ضروری برای معلم

۱- موضوع عفاف و آراستگی یکی از موضوعات بسیار مهم و حساس نه تنها برای نوجوانان و جوانان امروز، بلکه برای قشر وسیعی از بزرگسالان ماست و باید از زوایای گوناگون بررسی شود. نوجوان و جوان با ورود به دوره بلوغ، به جسم خود و زیبایی در آن توجه خاصی می‌کند. در این میان، آراسته بودن و نظافت ظاهری مورد تأیید اسلام است اما از سوی دیگر، فرهنگ جدید جهانی، براساس زیربنای انسان شناسانه خود که به جنبه ظاهری و جسمانی وجود انسان توجه دارد و هویت انسان را در همین حقیقت ظاهری می‌بیند، شرایطی را ایجاد کرده است که قید و بندهای مربوط به عفاف، گسیخته شود، الگوهای بی‌شماری برای رسیدگی به وضع ظاهری ارائه گردد و هر روز مُد جدیدی روانه بازار شود؛ به‌طوری که افراد هنوز از یک الگو و مُد فارغ نشده‌اند که شیوه و مُد جدیدی به بازار می‌آید. برای تعمیم و گسترش این فرهنگ که به حقیقت فرهنگ برهنگی است، از شخصیت‌های مرجع جوانان و نوجوانان مانند ورزشکاران و هنرمندان بسیار استفاده می‌شود. برخی از بازی‌کنان مشهور فوتبال طبق قراردادهایی که با شرکت‌های تبلیغاتی و تجاری دارند، موظف‌اند که آرایش موی سر و صورت خود را برای مدتی معین - مثلاً یک یا دو سال - در حالت خاصی نگه‌دارند تا بازار فروش کالاهای

آن شرکت‌ها را گرم کنند.

۲- توجه داشته باشیم که زیر بنا و باطن حجاب، عفاف است که امری فطری تلقی می‌شود و همه انسان‌ها به محض درک انسانیت خود به عفت به‌عنوان یکی از نخستین مسائل مهم مطرح شده توجه می‌کنند. در داستان خلقت انسان و زندگی حضرت آدم و حوا در بهشت اولیه که بهشت قبل از تشریع بود، وقتی آن دو، میوه ممنوعه را می‌خورند و برای ورود به زندگی دنیایی آماده می‌شوند، به اولین چیزی که توجه می‌کنند، عفت است. آیه زیر بیان همین واقعیت است:

«فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ...»^۱

بنابراین، باید بتوانیم روحیه عفاف را زنده نگه داریم و پرورش دهیم.

۳- خصلت‌های دیگری هم هستند که به عفاف کمک می‌کند؛ مانند حیا، عزت نفس و کرامت انسانی.

ما در این درس، به این مسئله مهم می‌پردازیم که رعایت عفاف چگونه عزت نفس را که خود یک خصلت فطری است، تقویت می‌کند و نیز بر این موضوع تأکید دارد که بی‌عفتی، آدمی را بی‌مقدار و کرامت انسانی را لکه‌دار می‌سازد. لازم است این مفاهیم به دانش‌آموزان یادآوری شود و ارزش مفاهیم یاد شده برای آنان پایدار بماند. عفاف درونی، حافظ حجاب و پوشش اسلامی است و اگر این عفاف، حیا و عزت نفس درونی در انسان تقویت گردد، گرایش به پوشش اسلامی و سایر مراتب عفاف هم به‌طور طبیعی حفظ می‌شود.

۴- یکی از مظاهر عفاف، آراستگی همراه با پوشش مناسب است. عفاف، جلوه‌های دیگری نیز در رفتار مسلمانان دارد که باید بر آن‌ها تأکید کرد؛ از جمله: اجتناب از نگاه کردن به نامحرم، رعایت حد و حدود صحبت کردن در محیط کار و کوچه و خیابان، منع دیگران از بی‌بندوباری در روابط اجتماعی و اموری از این قبیل.

۵- یکی از مسائلی که امروزه برای دانش‌آموزان مطرح است، مقایسه جامعه خود با جوامع غربی است. آن‌ها می‌گویند: «چرا با اینکه حجاب و پوشش در غرب وجود ندارد، مشکلات و نابه‌سامانی‌های ناشی از نبود حجاب در جوامع غربی مشاهده نمی‌شود اما در جامعه ما که پوشش و حجاب هست، برخی از بی‌بندوباری‌ها در میان جوانان پیدا شده که قبلاً نبوده است؟» در اینجا باید به چند نکته توجه کرد: الف) در پاسخ به این سؤال، باید از موضع‌گیری یک جانبه مثبت یا منفی دوری گزید و به

۱- سورة اعراف: آیه ۲۲. - این مورد برای اطلاع دبیران است و طرح آن در کلاس لازم نیست.

جای دادن پاسخ فوری و یک‌جانبه، گام به گام و به تدریج، سؤال را تحلیل نمود و به کمک خود دانش‌آموزان، پاسخ را نتیجه‌گیری کرد. همچنین باید از دادن آمارهای اغراق‌آمیز و سیاه‌نمایی طرف مقابل پرهیز شود.

ب) توجه کنیم که در جامعه فعلی ما، بی‌بندوباری نزد کسانی بیشتر است که عفاف و پوشش اسلامی را نادیده می‌گیرند و به قانون دین توجهی ندارند. در واقع، کسانی که از نظر اعتقادات دینی ضعیف‌ترند، به مظاهر مختلف فساد بیشتر رو می‌آورند؛ بنابراین، در همین جامعه ما، گرفتارشدن برخی از جوانان و بزرگسالان در دام بی‌بندوباری، ناشی از عدم توجه آن‌ها به عفاف و حیاست. عواملی چون بیکاری برخی جوانان، فاصله طبقاتی میان برخی از اقشار، ضعف در کار فرهنگی و تبلیغی، اتخاذ روش‌های نامناسب تربیتی در خانواده و هجوم تبلیغات منحرف‌کننده بیگانگان و دشمنان، نقش زیادی در بی‌توجهی جوانان به عفاف و حیا دارند.

ج) متفکران بزرگ غرب و دلسوزان جوامع غربی معتقدند که این جوامع از جهت رفاه مادی و پیشرفت صنعتی به درجات بسیار بالایی رسیده‌اند اما یک خطر همواره آن‌ها را تهدید می‌کند و مشکلات بشماری را برایشان به ارمغان آورده است و آن، فساد اخلاقی است. از آنجا که قدرت مادی کشورهای صنعتی زیاد است، آثار و تبلیغات این فساد اخلاقی حتی دامن‌گیر کشورهای جهان سوم هم می‌شود؛ نمونه‌های این امر، تجارت مواد مخدر، تجارت دختران و کودکان از جهان سوم به کشورهای غربی، ورود الگوهای مختلف بی‌بندوباری جنسی، قرص‌های روان‌گردان، گروه‌های فساد، فیلم‌های ضد اخلاقی و مانند آن از غرب به جهان سوم است.

د) نکته بسیار حائز اهمیت این است که نگاه یک مسلمان به زندگی و هدف زندگی، با نگاه یک انسان غربی (عموماً نه همه) تفاوت دارد. از منظر انسانی که هدفش در زندگی رسیدن به رفاه مادی است، بسیاری از روابط اجتماعی و اخلاقی، مجاز و حتی خوب شمرده می‌شوند؛ درحالی که همین روابط، از منظر انسانی که هدفی جز رستگاری اخروی ندارد، غیرمجاز و گناه است؛ بنابراین، در غرب بسیاری از روابط نامشروع وجود دارد اما جرم تلقی نمی‌شود و لذا در آمار و گفته‌ها به‌عنوان جرم مطرح نیست؛ مثلاً، دختران و پسران دانش‌آموز، عموماً نزدیکی جنسی با هم را تجربه کرده‌اند اما این مسئله از نظر آن‌ها جرم نیست؛ مگر اینکه پسری به زور با دختری نزدیکی کند. سقط جنین که به معنای از بین بردن یک انسان زنده است نیز، کمتر برشمرده می‌شود. درعین حال، وجود فرزندانی که از راه غیرمشروع به‌وجود آمده‌اند، برای مردم آنگونه جوامع قبحی ندارد؛ درواقع، آنان صورت مسئله را پاک کرده‌اند. البته موارد یاد شده، باعث شده است که در آن جوامع، خانواده مفهوم خود را از دست بدهد

و با سست شدن این کانون، گرفتاری و ناهنجاری‌های بزرگی ظهور کند. اکنون اغلب مردم در جوامع غربی نگران این گونه ناهنجاری‌ها و گرفتاری‌ها هستند.

ه) روشن است که اگر تمنیات جسمانی که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تمنیات جنسی است، تعدیل نشود و در چارچوبی قرار نگیرد، فرصت پرداختن به جنبه‌های معنوی از میان می‌رود؛ در نتیجه، قوای فکری، تخیلی، عقلی و احساسی آدمی متوجه آن تمنیات خواهد شد و از حرکت برای تعالی روحی باز خواهد ایستاد. در چنین شرایطی، حتی اگر انسان بسیار عاقلانه هم حرکت کند، صرفاً به حیوانی پیشرفته، توسعه یافته و مبادی آداب تبدیل خواهد شد.

۶- سخنانی از پیشوایان دین درباره آراستگی و عفاف

— توجه به آراستگی

قرآن کریم: یا بنی آدم خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ ای فرزندان آدم، زینت خود را در هر نماز با خود بردارید.

امام علی (ع): آراسته کردن خود، از اخلاق مؤمنان است.^۱

امام علی (ع): همچنان که دوست دارید افراد بیگانه و غریبه شما را در بهترین شکل ببینند و خود را برای آن‌ها می‌آرایید، وقتی نزد برادر مسلمان خود نیز می‌روید، به همان صورت، خویشان را بیاراید.^۲

امام صادق (ع): اِلْبَسْ وَ تَجَمَّلْ، فَإِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ، يُحِبُّ الْجَمَالَ، وَلَتَكُنَّ مِنْ حَلَالٍ.^۳
رسول خدا (ص): مَنْ اتَّخَذَ ثَوْباً فَلْيُنَظِّفْهُ.^۴

امام صادق (ع): پیامبر اکرم (ص) برای بوی خوش بیش از غذای خود هزینه می‌کرد.^۵
رسول خدا (ص): از دنیا سه چیز را دوست دارم: زنان، بوی خوش و نماز را که نور چشم من است.^۶

امام رضا (ع): سزاوار نیست که مرد استفاده هر روزه بوی خوش را ترک کند؛ اگر نتوانست

۱- سورة اعراف: آیه ۳۱.

۲- غررالحکم: حدیث ۱۱۷۵.

۳- خصال: ص ۶۱۲.

۴- وسائل الشیعة: ج ۳، ص ۳۴۰.

۵- کافی: ج ۶، ص ۲۴۴.

۶- مکارم الاخلاق: ص ۱۰۴.

۷- خصال: ص ۱۶۵.

یک روز در میان و باز اگر توانست، هر جمعه خود را خوش‌بو کند و هیچ‌گاه این کار را رها نکند.^۱
امام صادق(ع): دو رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر است از هفتاد رکعت که بدون بوی خوش بگذارند.^۲

— رابطه آراستگی باطن و ظاهر

امام حسن عسکری(ع): حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالُ ظَاهِرٍ وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالُ بَاطِنٍ؛ خوب بودن چهره و صورت، زیبایی ظاهری و خوب بودن عقل، زیبایی باطنی است.^۳
حضرت علی(ع): آراستگی باطن، زیباتر است از آراستگی ظاهر.^۴

۷— سخنانی از بزرگان

استاد شهید مطهری: گرایش انسان به زیبایی و جمال، یکی از خواسته‌های فطری انسان است و احساس لذت از زیبایی‌ها و تناسب‌ها و پاکیزگی‌ها، با سرشت انسان آمیخته شده است.^۵
استاد محمدتقی جعفری: انسان، به ارتباط با زیبایی محتاج است. بدون زیبایی، روح در تاریکی و خشونت ماده خسته می‌شود.^۶

سعدی: بزرگی را در محفلی همی ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه می‌نمودند؛ سر از جیب تفکر برآورد و گفت: من آنم که دانم.

شخصم به چشم عالمیان، خوب منظر است

وز خُبث باطنم سَرِ خجلت فتاده پیش

طاووس را به نقش و نگاری که هست، خلق

تحسین کنند و او خجل از پای زشت خویش

سقراط: زیبایی بدون عفت و فضیلت، همانند گلی خوش‌رنگ، ولی بدون عطر است.

آنتوان چخوف: انسان باید از هر حیث — چه ظاهر و چه باطن — زیبا و آراسته باشد.

شوینهاور: جمال مایه شرافت ولی مقرون به هزاران شر و آفت است.

۱- بحارالانوار: ج ۷۳، ص ۱۴۰.

۲- ثواب الاعمال: ص ۳۶۲.

۳- کافی: ج ۶، ص ۴۳۸.

۴- غررالحکم: حدیث ۵۵۰۳.

۵- فطرت: ص ۸۰.

۶- زیبایی هنر از دیدگاه اسلام.

متن زیر از جواد محدثی، برای خواندن در کلاس مناسب است :

«چشم» در چپه‌ای به دنیای قلب است.

«دیدن» و «نظر»، خواستن دل را در پی دارد.

«هر آنچه دیده بیند، دل کند یاد»^۱

با این حساب، باید به آنچه در «چشم انداز» ما قرار می‌گیرد، حساس باشیم. دیدنی‌ها – چه خوب و چه بد – گرایش ما را به سوی خود «جذب» می‌کند و ما اغلب مجذوب چیزی می‌شویم که می‌بینیم. اگر به افق دور دست بنگریم، «وسعت دید» پیدا می‌کنیم و اگر فقط به جلوی پای خود نگاه کنیم، «نقداندیش»، «حاضرگرا» و «تنگ‌نظر» می‌شویم. «نگاه حرام» چرا آن همه نکوهش شده است؟ چون دل را هم به دنبال حرام می‌کشد.

نگاه به چهره عالم، نگاه به در خانه عالم، نگاه به کعبه و نگاه به آیات قرآن، عبادت است؛ چون این نگاه، جلوه‌هایی از معنویت، پاکی و حق را به درون انسان منتقل می‌کند.

عارفان، مراقب چشم و نگاه خویش‌اند؛ به حرام نمی‌نگرند، تا تیرگی و سیاهی از روزنه «نگاه پاک» به «خانه دل» نفوذ نکند. وقتی دل از راه چشم تغذیه می‌شود، چرا «غذای حرام» به آن بدهیم؟

زنی زیبا از گذرگاهی عبور می‌کرد. حضرت علی (ع) و جمعی هم نشسته بودند. یکی از حاضران، با چشم و نگاه آن زن را تعقیب کرد. حضرت او را نکوهش کرد و فرمود: «همین گونه نگاه‌هاست که شهوت جنسی را برمی‌انگیزد»^۲.

برای طهارت درون، دیده را پاک نگاه داریم و بر این پنجره، دیده‌بانی کنیم. هر کس نقطه یا نقاط وضعی دارد؛ نقطه ضعف برخی هم «شهوت» و «مسائل جنسی» است. آن که نتواند این غریزه را تحت کنترل خویش آورد، گاهی آبروی یک عمر را در یک «لحظه» و بایک «نگاه» می‌بازد. گاهی نگاه، اولین گام یک «راه اشتباه» است. اینکه احادیث، نگاه را تیری از تیرهای ابلیس شمرده‌اند، از این رهگذر است^۳.

شیطان، پیوسته دل‌های جوانان را هدف تیر نگاه قرار می‌دهد. آنچه این تیرها را می‌شکند، «عفاف» است و آنچه در برابر هجوم شهوت است «تقوا» است^۴.

۱- بابا طاهر.

۲- نهج البلاغه: فیض الاسلام، حکمت ۴۱۲.

۳- وسائل الشیعه: ج ۱۳، ص ۶۰. امام صادق (ع): ایاکم والنظر، فانه سهم من سهام ابلیس.

۴- متن از کتاب «گامی در مسیر»: جواد محدثی، ص ۱۲۵ تا ۱۲۷.

ب) منابع برای معلم و دانش‌آموز

- ۱- شمائل النبی؛ ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نشر نی (معلم)
- ۲- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر؛ سیدرضا پاک‌نژاد، کتاب‌فروشی اسلامیة، ج ۱۸ (معلم و دانش‌آموز)
- ۳- آیین بهزیستی اسلام؛ احمد صبور اردوباری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی (معلم و دانش‌آموز)
- ۴- حجاب؛ مرتضی مطهری، انتشارات صدرا (معلم و دانش‌آموز)
- ۵- نظام حقوق زن در اسلام؛ مرتضی مطهری، انتشارات صدرا (معلم و دانش‌آموز)
- ۶- نظام شخصیت زن در اسلام؛ زیبایی‌نژاد و سبحانی، نصایح (قم) (معلم و دانش‌آموز)
- ۷- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی؛ غلامعلی حدادعادل (معلم و دانش‌آموز)
- ۸- حجاب؛ مهدی مهریزی، کانون اندیشه جوان (معلم و دانش‌آموز)
- ۹- حقوق زن؛ حمید کریمی، کانون اندیشه جوان (معلم و دانش‌آموز)
- ۱۰- مجموعه آثار دکتر شریعتی؛ جلد ۲۱ (زن) (معلم و دانش‌آموز)
- ۱۱- پرسش‌های امروز جوانان؛ جلد ۳، انتشارات مدرسه برهان (دانش‌آموز)
- ۱۲- نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (بخش ظاهر و باطن)؛ خسرو باقری (معلم)
- ۱۳- برای ریحانه؛ محمود اکبری، انتشارات گلستان ادب (دانش‌آموزان دختر)
- ۱۴- حجاب‌شناسی؛ حسین مهدیزاده، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه (معلم و دانش‌آموز)
- ۱۵- فلسفه حجاب و گستره آن؛ علی محمد آشتیانی، پژوهشکده فرهنگ و معارف (معلم و دانش‌آموز)



زیبایی عفاف

قسمت اول: کلیات

الف) اهداف

- ۱- هدف کلی: آشنایی با رابطهٔ حجاب و عفاف و مسائل پیرامون حجاب برای گرایش و توجه بیشتر به حجاب اسلامی
- ۲- اهداف آموزشی:
 - تبیین ضرورت حجاب و پوشش اسلامی بر مبنای آیات قرآنی و تعیین حدود آن
 - بیان رابطهٔ میان حدّ پوشش و نوع لباس در فرهنگ اسلامی
 - توضیح تفاوت میان پوشش زنان و مردان و ذکر دلایل آن
 - شناخت آثار حجاب و پوشش اسلامی در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی.

ب) پیش دانسته‌ها

- ۱- مباحثی که در درس قبل مطرح شده است.
- ۲- دین یهود به عنوان دین آسمانی حضرت موسی (ع) و دین مسیح به عنوان دین آسمانی حضرت عیسی (ع) و آیین زرتشت
- ۳- آشنایی افراد هر محل با نوع پوشش محلی منطقهٔ خود.

ج) اصطلاحات علمی درس

۱- حجاب

استاد شهید مطهری می‌فرماید: «کلمهٔ حجاب، هم به معنای پوشیدن است و هم به معنای پرده و حاجب؛ بیشتر استعمالش به معنای پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده،

وسیله پوشش است.

استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها، کلمه «ستر» که به معنای پوشش است، به کار رفته است. فقها چه در «کتاب الصلوة» و چه در «کتاب النکاح» که متعرض این مطلب شده‌اند، کلمه «ستر» را به کار برده‌اند نه کلمه حجاب را.

بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم؛ زیرا چنان که گفتیم، معنای شایع لغت «حجاب»، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود، به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده‌ای گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود در آیات مربوط لغت حجاب به کار نرفته است. آیاتی که در این باره هست — چه در سورة مبارک نور و چه در سورة مبارک احزاب — حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است؛ بدون آن که کلمه حجاب را به کار برده باشد. آیه‌ای که در آن کلمه حجاب به کار رفته، مربوط به زنان پیغمبر اسلام است.^۱

۲- محرم و نامحرم

محرم کسی است که ازدواج با او حرام است و در نگاه به او محدودیتی که نسبت به سایر افراد هست، وجود ندارد.

— افرادی که بر پسرها و مردان محرم‌اند.

۱- مادر و مادر بزرگ

۲- دختر و دختر فرزند

۳- خواهر

۴- خواهرزاده (دختر خواهر)

۵- برادرزاده (دختر برادر)

۶- عمه (عمهٔ مرد و عمهٔ پدر و مادرش)

۷- خاله (خالهٔ مرد و خالهٔ پدر و مادرش)

این دسته از افراد به سبب خویشاوندی نسبی با هم محرم‌اند و گروهی دیگر هم به سبب ازدواج بر پسرها و مردها محرم می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱- مادر زن و مادر بزرگ او

۱- مجموعه آثار: ج ۱۹، مسئله حجاب، ص ۴۲۹ به بعد.

۲- دختر زن، هرچند دختر خودش نباشد.

۳- زن پدر (نامادری)

۴- زن پسر (عروس)

به جز افرادی که نوشته شد، دیگر زن‌ها نامحرم‌اند، حتی زن برادر و خواهرزن؛ گرچه ازدواج با خواهرزن تا مدتی که خواهرش همسر اوست، حرام است؛ یعنی، ازدواج با دو خواهر به‌طور هم‌زمان جایز نیست؛ مگر آن که اولی از دنیا برود یا او را طلاق دهد.

د) ارتباط با درس پیش

درس‌های دوازدهم و سیزدهم دارای موضوعی واحدند که در دو بخش عرضه شده است. درس دوازدهم بیشتر بر جنبه‌های درونی و باطنی - یعنی عفاف، حیا و عزت نفس - و درس سیزدهم، بر جلوه ظاهری آن - یعنی پوشش و حجاب اسلامی - تمرکز دارند؛ بنابراین، درس دوازدهم دربردارنده حکمت و فلسفه حجاب است و درس سیزدهم بیشتر خود حجاب و حدود و آثار آن را بررسی می‌کند. لازم است معلمان محترم، به‌خصوص معلمان مدارس دخترانه، در درس دوازدهم احکام مربوط به پوشش و حجاب را توضیح ندهند و در درس سیزدهم به آن بپردازند.

هـ) محورهای اصلی درس

- ۱- پوشش و حجاب، خاص دین اسلام نیست و در همه ادیان الهی و حتی ادیان دیگر مطرح بوده است. البته حدود آن در ادیان دیگر با ادیان الهی متفاوت است.
- ۲- در قرآن کریم و روایات معصومان (ع)، حدود و پوشش زنان به‌طور دقیق معین شده است.
- ۳- اسلام، حد و شرایط پوشش را معین کرده و شکل و نحوه لباس را به سنت‌ها و فرهنگ‌های محلی مردم واگذاشته است.
- ۴- به علت تفاوت در جلوه‌های ظاهری زن و مرد و توجه بیشتر مرد به جلوه‌های ظاهری زن، پوشش زنان محدوده بیشتر و دقیق‌تری دارد که به صورت کامل در دین معین شده است.
- ۵- پوشش اسلامی زنان نه تنها مانع حضور آن‌ها در محل کار و جامعه نمی‌شود بلکه حضور راحت‌تر و توأم با عفت آن‌ها را ممکن می‌سازد.
- ۶- پوشش اسلامی زنان برای زن، مرد، خانواده و جامعه ثمره‌های فراوانی دارد.

قسمت دوم : سازمان‌دهی فعالیت یاددهی – یادگیری

الف) ارزشیابی از درس قبل

در ابتدای تدریس، براساس موارد ذکر شده از درس قبل ارزشیابی به عمل می‌آید.

ب) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

قسمت‌های مختلف این درس با سؤال آغاز شده و پیش رفته است و این، مناسب با حال و هوای دانش‌آموزان فعلی است که در این زمینه سؤال‌های متعددی دارند؛ از این‌رو، به‌نظر می‌رسد که آماده‌سازی از طریق سؤال، شیوه مناسبی برای ورود به این درس باشد. معلم محترم می‌تواند ابتدا سؤال‌ها را با لحن دانش‌آموزی مطرح کند؛ آن‌ها را به ترتیب روی تخته سیاه بنویسد و در هنگام طرح سؤال‌ها از دانش‌آموزان بخواهد که سؤال‌ها را موشکافی کنند و درباره آن‌ها توضیح دهند؛ بدون اینکه به پاسخ آن‌ها بپردازند.

ج) اجزای تدریس

این درس، شامل اجزای زیر است :

ردیف	اجزای تدریس
۱	قرائت و ترجمه آیات
۲	استخراج دستور حجاب از آیات
۳	توضیح درباره شکل پوشش
۴	توضیح احکام مربوط به محرمیت
۵	تبیین علت تفاوت پوشش زنان و مردان
۶	انجام فعالیت بررسی
۷	بررسی رابطه حجاب با آزادی حضور زن در جامعه
۸	توضیح درباره بیش‌تر بدانیم
۹	طرح گام ششم

۱- قرائت و ترجمه

در ابتدای تدریس، آیات درس قرائت می‌شود و ترجمه‌ها تکمیل می‌گردد.

۲- استخراج دستور حجاب از آیات

برای دانش‌آموزان بسیار اهمیت دارد که بدانند حکم پوشش، صرفاً یک استنباط فقهی و برداشت فقها نیست که بتوان در درستی آن تردید کرد. آنها مایل‌اند بدانند که در آیات قرآن و پس از آن در روایات، حکم پوشش به‌طور صریح و روشن آمده است.

معلم، با کمک آیات و روایات به این سؤال پاسخ می‌دهد و مطلب را برای دانش‌آموزان روشن می‌کند. آنگاه دو وظیفه اصلی در پوشش را به‌صورتی بسیار جدی در کلاس بیان می‌کند. به‌خصوص، باید حد پوشش دختران را هم در کلاس خودشان و هم در کلاس پسران توضیح داد و عواقب وخیم دنیایی و اخروی تخلف از آن را با زبانی صمیمی مطرح کرد.

معلم، هر بندی را که توضیح می‌دهد، از دانش‌آموزان می‌خواهد که آیه مربوط به آن را مشخص کنند.

بند «الف» از آیه ۳۰ سورة نور به‌دست می‌آید. در این آیه دو حکم اسلامی بیان شده است :

۱- مردان مؤمن باید از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند.

۲- مردان مؤمن باید از رابطه جنسی غیرشرعی خودداری کنند و مرتکب زنا نشوند که گناه کبیره است و مجازات سنگین دارد.

بند «ب» از آیه ۳۱ سورة نور استخراج شده است. بند «ج» هم از همین آیه به‌دست آمده است. در این آیه احکام زیر بیان شده است :

۱- زنان مؤمن باید از نگاه به مردان نامحرم بپرهیزند. یعنی نگاه شهوت‌آلود به مردان نکنند.

۲- زنان مؤمن باید از رابطه جنسی با نامحرم خودداری کنند و مرتکب عمل زنا نشوند که گناه کبیره است و مجازات سنگین دارد.

بند «د» از آیه ۵۹ سورة احزاب به‌دست آمده است. هم‌چنین بندهای «الف» و «ب» بعدی نیز از همین آیه استخراج شده است.

از این آیه نکات زیر به‌دست می‌آید :

۱- پوشش زنان باید به‌گونه‌ای باشد که گردن و گریبان را هم بپوشاند. یعنی فقط گردی صورت می‌تواند آشکار باشد.

۲- این پوشش سبب می‌شود که مردان چشم‌چران و هوس‌باز که در جامعه وجود دارند، نتوانند

زنان را مورد تعرض قرار دهند.

۳- این که قرآن کریم می‌فرماید پوشش خود را به خود نزدیک کنید، علامت روشنی است بر این که زنان جامعه اسلامی عصر پیامبر حجاب داشته‌اند اما رعایت حدود آن را نمی‌کرده‌اند. لذا خداوند دستور می‌دهد که آن حدود را رعایت کنند و گردن و گریبان خود را بپوشانند. البته تنها منبع احکام اسلامی، از جمله حجاب، قرآن کریم نیست. جزئیات احکام در احادیث و سیره پیامبر اکرم و ائمه اطهار (صلوات الله علیهم) آمده است. تذکر این مطلب به دانش آموزان ضروری است، مثلاً جزئیات حکم نماز که از روشن‌ترین حکم‌های قرآن است، در روایات و سیره آمده است و هر کس که بخواهد نماز بخواند ناچار است که جزئیات آن را از روایات به دست آورد. کسی نمی‌تواند بگوید من برای انجام نماز نظر فقیهان را که از روایات به دست آمده، قبول دارم ولی در مورد حجاب قبول ندارم.

۳- توضیح درباره شکل پوشش

طرح این سؤال برای رفع ابهاماتی است که در ذهن دانش آموزان وجود دارد. برخی از آنان فکر می‌کنند که همین نحوه پوشش ایرانیان همان لباسی است که دین تعیین کرده است. همچنین دلیل برتری و مزایای پوشش‌هایی شبیه چادر را نمی‌دانند و فکر می‌کنند که دین برای آنها سختی خواسته و آن را بر آنها تحمیل کرده است. ما باید به آنان پیاموزیم که:

اولاً، پوشش اسلامی، در مرتبه اول حافظ عفاف، پاکدامنی و عزت نفس خانم‌هاست. این حقیقت را می‌توانند به تجربه، در پیرامون خود ببینند. به میزانی که حجاب دختران ضعیف‌تر باشد، تعرض افراد فاسد به آنان بیشتر است. این حقیقت هم اختصاص به ایران ندارد.

ثانیاً، این عمل دینی، مانند سایر اعمال، درجات دارد. مثلاً، نماز جماعت از نماز فرادا بهتر است. نماز با حضور قلب از نماز بدون حضور قلب افضل است. نمازی که مناجات‌ها و دعا‌های بیشتری در آن خوانده شود و با تأنی و تأمل بیشتر باشد، از نمازی که سریع خوانده شود، تأثیر بیشتری دارد. حجاب نیز هر چه کامل‌تر باشد، یعنی عفاف را بیشتر نشان دهد و ظواهر بدن را بهتر بپوشاند، به کمال زن بیشتر کمک می‌کند. چادر، از این جهت برتر از لباس‌های دیگر است. علاوه بر این، چادر سنگینی و وفاری به زن در راه رفتن می‌دهد که لباس دیگری نمی‌دهد. وقتی که یک زن چادری از کوچه‌ای می‌گذرد فضای آن کوچه را عقیفانه می‌کند.

ثالثاً، همان‌طور که ممکن است یک مسجدی یا یک نمازخوان وجود داشته باشد که خواندن

نماز و رفتن مسجد را وسیلهٔ ریاکاری قرار دهد، وجود برخی زنان چادری که عفاف محکمی ندارند، نمی‌تواند دلیلی بر غیرمؤثر بودن چادر باشد، بلکه باید به صورت مجموعی و آماري نگاه کرد و دید که آیا در یک شهر و در میان خویشان، زنان چادری به عفاف نزدیک‌ترند یا زنان دیگر. رابعاً، حجاب مساوی با چادر نیست. زنانی که حدود حجاب را رعایت کنند، گرچه چادر نداشته باشند، زندگی عقیفانه دارند.

خامساً، پوشش در کشورهای اسلامی متفاوت است. اما همان پوشش‌ها وقتی پوشش اسلامی محسوب می‌شوند که حدود حجاب در آن رعایت شده باشد.

۴- توضیح احکام محرمیت

در آموزش این احکام، باید به گونه‌ای عمل کنیم که دختران و پسران کاملاً بدانند که چه کسانی محرم آنها هستند و چه کسانی نامحرم و آن را به حافظه بسپارند. بنابراین، آوردن سؤال‌های تست از این قسمت‌ها مناسب است.

۵- تبیین علت تفاوت پوشش زنان و مردان

علت اصلی تفاوت پوشش زنان و مردان، شاید برای دختران در این سن و سال چندان ملموس نباشد. علت اصلی مربوط است به روان‌شناسی زن و مرد و وضع جسمانی هر کدام از آنها. خداوند زن را مظهر جمال خود آفریده است و این یک امر مخفی نیست. زن و مرد هر دو این احساس را دارند که زن مظهر زیبایی است، به همین جهت هم به زیورآلات و پوشش‌های زیبا علاقه دارد. از طرف دیگر، خداوند مرد را به گونه‌ای آفریده که تمایلش به زن را در رفتار نشان می‌دهد و به سویی او می‌رود. یعنی جاذبه، غالباً از ناحیهٔ زن است و جذب شدن از ناحیهٔ مرد. این حالت، سبب می‌شود که بنیان خانواده تحکیم یابد و یک کشش و پیوند میان زن و شوهر برقرار گردد. اگر این حالت جاذبه نباشد، محیط خانواده، بیشتر شبیه یک محیط اداری می‌شود که افراد، صرفاً برای انجام وظیفه گرد هم جمع شده‌اند.

با توجه به این ویژگی‌های متفاوت که در تمام رفتارهای زن و مرد خود را نشان می‌دهد، باید حفظ حرمت و حریم خود، توسط زن از جنبه‌های گوناگون، مانند نحوهٔ سخن گفتن با مرد، راه رفتن از روی حیا و پوشش مناسب صورت بگیرد و مرد از جنبه‌های دیگری، مانند کنترل نگاه و عدم اختلاط با زنان، باید خود نگه‌دار باشد و تقوای خود را تقویت کند.

این رعایت‌ها برای آن است که از یک طرف جامعه به محیطی تبدیل نشود که افراد فاسد به حرمت زنان تعرض کنند و از طرف دیگر جاذبهٔ زن و مرد در خانواده به قدری قوی باشد که کمتر

سبب جدایی گردد.

میزان طلاق‌های رسمی و جدا شدن‌های عاطفی و عقب افتادن زمان ازدواج ارتباط مستقیمی با میزان رعایت عفاف و حجاب توسط زنان و مردان دارد.

۶- انجام فعالیت بررسی

انجام این بررسی توسط خود دانش‌آموزان، سبب می‌شود که به ارزش حجاب و پوشش اسلامی بیشتر پی ببرند و با زبان و جملات خودشان آثار مثبت آن را بیان کنند. استاد مطهری در کتاب مسأله حجاب، این آثار و ثمرات را توضیح داده است که ما به‌طور خلاصه در اینجا می‌آوریم.^۱

الف) برای زن :

- بیشتر شدن آرامش روانی، به علت کم شدن نگاه‌ها به سمت او
- افزایش احترام زن به دلیل وقار و سنگینی وی
- کم شدن مزاحمت افراد فاسد و مزاحم و نگاه تعرض‌آمیز آنها به وی
- افزایش موقعیت ازدواج برای دختران باوقار و سنگین به علت اطلاع یافتن پسران از عفاف آنها.

ب) برای مرد :

- کم شدن التهاب و هیجانات جنسی و عطش روحی
- کنترل بیشتر مرد بر قوه خیال خود، به دلیل مواجه نشدن با صحنه‌های شهوت‌انگیز
- بازده بیشتر مرد در کار، تحصیل، پژوهش و... به علت آرامش روانی بیشتر.

ج) برای خانواده :

- اختصاص یافتن التذاذ جنسی به محیط خانواده و در محدوده ازدواج
- استحکام پیوند زن و شوهر به علت افزایش احساس کامیابی از یکدیگر در محیط خانه
- افزایش احساس محبت میان اعضای خانواده، به خصوص فرزندان
- کاهش طلاق در خانواده.

د) برای جامعه :

- بیشتر شدن آرامش روانی جامعه
- افزایش فعالیت مثبت اجتماعی و نیروی کار و فعالیت در جامعه

۱- مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۳۴ تا ۴۴۱

— پایداری و ثبات اجتماعی.

تذکر: برهنگی غربی، نه تنها مورد انتقاد مسلمانان و دینداران جهان است بلکه حتی افراد متفکر جامعه غرب که بعضاً توجه چندانی به دین ندارند نیز با این وضعیت غرب مخالف اند. ممکن است برخی بگویند که ما هم با آن افراط‌گری غربی مخالفیم اما این سخت‌گیری‌های دینی — مانند حجاب — را هم نمی‌پسندیم. جواب این است که اگر حدی که دین قرار داده است از دست برود و التزام دینی در کار نباشد، رشته کار گسسته می‌شود و هیچ مرز توقف و خط قرمزی وجود نخواهد داشت که آدمی در آنجا متوقف شود. چارلی چاپلین در نامه‌ای خطاب به دخترش می‌نویسد:

«برهنگی، بیماری عصر ماست. من پیرمردم و شاید حرف‌های خنده‌آور بزنم اما به گمان من، تن عریان تو باید از آن کسی باشد که روح عریانش را دوست می‌داری. بد نیست اگر اندیشه تو در این باره، مال ده سال پیش باشد؛ مال دوران پوشیدگی. ترس، این ده سال، تو را پیرتر نخواهد کرد. به هر حال، امیدوارم تو آخرین کسی باشی که تبعه جزیره لختی‌ها بشوی.» (به نقل از کتاب مسئله حجاب، از مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۳۷۸)

۷— بررسی رابطه حجاب با آزادی حضور زن در جامعه

از شبهه‌اتی که زیاد روی آن تبلیغ می‌شود، کم شدن آزادی زن به وسیله حجاب است. ما باید نشان دهیم که نه تنها رابطه‌ای میان حجاب و سلب آزادی زن در جامعه نیست، بلکه با افزایش حجاب، امکان حضور زن بیشتر می‌شود. زیرا زن احساس امنیت می‌کند و در جامعه حضور می‌یابد. البته اصل مسئله حضور زن در جامعه، با حضور مرد متفاوت است. حضور مرد برای کسب درآمد، یک حضور اجباری است. زیرا هزینه خانواده بر عهده مرد است. اما حضور زن، یک حضور اختیاری است و لذا باید به گونه‌ای باشد که به بنیان خانواده و وظایف مادری و امنیت اخلاقی خودش آسیب وارد نکند.

۸— توضیح درباره بیشتر بدانیم

مسئله حجاب در ادیان دیگر، از پرسش‌های دانش‌آموزان است. آنان می‌پندند که مسیحیان و یهودیان و زرتشتیان حجاب را رعایت نمی‌کنند و چنین می‌پندارند که در اصل دین آنها حجاب واجب نبوده است. بنابراین لازم است به آنان نشان دهیم که ادیان الهی حقیقت واحدی هستند و احکام اسلام کامل‌ترین احکام است. علاوه بر اینکه کتاب آسمانی آنان باقی نمانده و نمی‌توان عمل مسیحیان یا یهودیان را به دین مسیح و موسی نسبت داد.

۹- طرح گام ششم

در پایان این درس، گام ششم که برنامه‌ریزی برای آراستگی و حجاب بیشتر و حضور باعفت در جامعه است، مطرح می‌شود. آراستگی و حجاب برنامه‌ای است هم در ارتباط با خود، هم در ارتباط با خدا و هم با جامعه.

(د) اندیشه و تحقیق

این قسمت دارای سه سؤال است :

در سؤال اوّل پیشنهادهای دانش‌آموزان درباره حضور عزتمند و همراه با عفاف مردان و زنان طرح می‌گردد. از آنجا که پاسخ این سؤال در منزل تهیه می‌گردد، بهتر است که از دیگران کمک بگیرند و یا به کتاب و نشریات و سایر رسانه‌ها مراجعه کنند تا به پاسخ دقیق‌تر و علمی‌تر برسند.

در سؤال دوم، از دانش‌آموزان خواسته شده که به نقد و ارزیابی جوامع مسیحی، به خصوص جوامع غربی بپردازند تا دریابند که چه عواملی سبب دوری آنان از تعالیم حضرت مسیح درباره پرسش و حجاب شده است. این پرسش زمینه درک این حقیقت را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند که جوامع غربی از تعالیم حضرت مسیح فاصله گرفته‌اند.

در سؤال سوم جدولی آمده که باید توسط دانش‌آموزان تکمیل شود تا آشنایی بیشتری با موضوع محرم و نامحرم پیدا کنند. پسر خاله، شوهر خاله، پسر عمه، برادر شوهر، پسر عمو و پسر دایی نسبت به زن نامحرم هستند و پدر بزرگ مادر، نوۀ خواهر و برادر مادر محرم می‌باشند.

(هـ) پیشنهاد

در قسمت پیشنهاد درخواست شده که دانش‌آموزان درباره دو موضوع تحقیق و بررسی کنند :

اوّل : رابطه سلامت اخلاقی جامعه با رفتار پسران و مردان.

دوم : رابطه عزت نفس و حفظ حرمت دختران و زنان با وضع پوشش آنان.

(و) ارزشیابی از میزان یادگیری

— قرائت و ترجمۀ آیات

— توضیح وظایف زنان و مردان درباره پوشش و حجاب و تعیین حدود آن.

- مشخص کردن آیات قرآن دربارهٔ حجاب و پوشش
- تبیین نحوه و شکل پوشش در اسلام
- مشخص کردن زنان و مردانی که نسبت به یکدیگر نامحرم هستند.
- تبیین علت تفاوت پوشش زنان و مردان
- انجام فعالیت بررسی
- تبیین رابطهٔ پوشش با حضور آزادانهٔ زنان در جامعه
- توضیح قسمت بیشتر بدانیم
- پاسخ به سؤال‌های اندیشه و تحقیق
- انجام پیشنهادها
- مشارکت و همکاری در تدریس
- نظم و زیبایی دفتر کار

قسمت سوم : تمهیدات

الف) دانستنی‌های ضروری

۱- دربارهٔ رابطهٔ دختر و پسر

ممکن است دانش‌آموزی سؤال کند: «چرا دوستی دختر و پسر اشکال دارد؟ اگر هر دو بتوانند حد را نگه دارند، چه اشکالی دارد که با هم معاشرت کنند و با یکدیگر دوست باشند؟» در اینجا چند نکته را باید برای آنان توضیح داد:

- مفهوم دوستی با مفهوم معاشرت معمولی متفاوت است؛ ممکن است دختری با پسری به دلیل نسبت خویشاوندی، حضور در کلاس دانشگاه، همسایه بودن، اشتراک در محیط کار، معاشرتی معمولی داشته باشند؛ مثلاً به یکدیگر سلام و با هم احوال‌پرسی کنند، مسائل درسی را از یکدیگر بپرسند، کتابی به یکدیگر امانت دهند و ...

اینگونه معاشرت‌ها که با عفاف و حجاب انجام می‌گیرد، مانعی ندارد. اگر به اینگونه معاشرت‌ها دوستی هم گفته شود، این دوستی اشکالی ندارد اما اگر مقصود از دوستی، همان مفهومی باشد که اکنون با عنوان دوست پسر و دوست دختر از آن یاد می‌شود و با معاشرت خصوصی همراه است، به گونه‌ای

که مثلاً با هم به گردش یا سینما بروند، اشکال دارد.

در این مورد، از آنان باید پرسید که حدّ این دوستی تا کجاست. صرف حرف زدن با یکدیگر؟ دست دادن به هم؟ بوسیدن یکدیگر؟ آمار نشان داده است که این نوع دوستی حدّ نمی‌شناسد و بیشتر این دوستی‌ها به مرحله حرام کشیده می‌شود؛ ابتدا دست دادن، سپس برداشتن حجاب، سپس بوسیدن و بالاخره حرام‌های بزرگتر؛ بنابراین، آیا بهتر نیست که رابطه از اوّل محدود شود؟ هیچ دختر و پسری نمی‌تواند به خود مطمئن باشد و بگوید من دوستی می‌کنم ولی به حرام کشیده نمی‌شوم؛ همین جمله، فریب شیطان و نفس اماره اوست.

— پدر و مادر و اولیای دختران، نگرانی بیشتری دارند؛ زیرا در این میان ضرری که متوجه دختران می‌شود، بسیار سنگین است. عاملی که پسران را به دوستی با دختران می‌کشاند، همیشه تحریک جنسی است؛ آنها قدم به قدم پیش می‌روند و ماهرانه قدم برمی‌دارند تا به لذت خود برسند. در این میان هم دوست پسر صادق و کاذب معنا ندارد؛ چون محرک جنسی امری درونی است و همان است که کار را پیش می‌برد.

— معلمان محترم باید دو موضوع را به دختران هشدار دهند: نخست اینکه ضرری متوجه آنان می‌شود که قابل جبران نیست و دوم، عذاب بزرگی که در جهان آخرت در انتظار آنان است. به پسران نیز باید دو هشدار داده شود: اوّل اینکه اگر به دختری تعرض جنسی کنند، حتماً لطمه آن به خود و خانواده خودش برمی‌گردد. آیا چنین پسرای رضایت دارند که دیگری با خانواده آن‌ها این‌گونه رفتار کند؟ دوم، عذاب بزرگ اخروی عمل آنان است که بسیار سنگین‌تر از عذاب دختران است.

سعدی در گلستان می‌نویسد:

صاحب‌دلی را گفتند «به این خوبی که آفتاب است هرگز نشنیده‌ایم که کسی او را دوست گرفته باشد و عشق آورده؛

گفت: برای آن که هر روزش توان دید؛ مگر به زمستان که مانند ماه با حجاب است و

محبوب.»

گفته‌اند: چشم، عضوی است که بیشتر اوقات، حقیقت و حالت درونی صاحب خود را نشان می‌دهد. حتی نگاه حیوان‌ها نیز این خاصیت را دارد. ابهت و قدرت شیر در نگاهش آشکار و درندگی و بی‌باکی پلنگ و ببر را در چشمانشان می‌توان دید. برخی آدم‌ها، در چشم‌هایشان وجود شهوی خود را به نمایش می‌گذارند. پوشش و حجاب، این دسته آدم‌ها را در شهوتشان ناکام می‌گذارد.

۲- آثار مثبت حجاب

- ۱- حفظ کیان و شخصیت والای زن
- ۲- مانع چشم‌چرانی مردان هوسباز
- ۳- دلگرمی زن و شوهر در زندگی (استحکام بنیاد خانواده)
- ۴- کاهش آمار طلاق و نزاع‌های خانوادگی
- ۵- پیشگیری از خودکشی، و قتل و فرار از خانه در اثر آبروریزی
- ۶- افزایش ازدواج و کاهش تجملات و صرفه‌جویی در وقت و هزینه
- ۷- پیشگیری از سقط جنین و فرزندان نامشروع
- ۸- جلوگیری از امراض روانی و مقاربتی که امروزه ۸۰٪ مردم آمریکا و اروپا گرفتار آنند
- ۹- امنیت و آرامش برای خانواده‌ها و کاهش انواع فساد
- ۱۰- ابراز صداقت در دوستی با خداوند و جلوگیری از عذاب‌های دنیا و آخرت
- ۱۱- احترام به قانون و رعایت آن
- ۱۲- تقویت فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی در جامعه
- ۱۳- شکر نعمت سلامتی و زیبایی (گناه نکردن با نعمت‌ها)
- ۱۴- ناامید کردن شیطان

۳- حجاب زنان ایران باستان

۱- پوشش زنان اشکانی: در کتاب پوشاک باستانی ایرانیان آمده است: «تاریخ نویسان درباره پوشاک آن زمان اکثراً سکوت گذارده‌اند با این وصف از روی برخی نقوش که از آن زمان مانده به زنانی بومی برخورد کردیم که پوشش جالبی دارند. پیراهن آنان پوشش ساده، بلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه است. در پایین دامن (از زانو به پایین) شرابه‌هایی (منگله) تا به میچ پا آویزان است. بعد می‌گوید: «به زنانی از این دوره بر می‌خوریم که از پهلوی بر اسب سوارند. اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود افکنده‌اند و در زیر آن یک پیراهن دامن بلند، و زیر این نیز یک پیراهن دیگر بلندتر تا به میچ پا، نمایان است.»

«لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تا به روی زمین گشاده، پرچین، آستین‌دار و یقه راست بوده است پیراهن دیگری داشته‌اند که روی اولی می‌پوشیدند اندازه این یک نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه باز بوده است روی این دو پیراهن نیز چادری سر می‌کردند.»

۲- پوشش زنان ساسانی: «در مقایسه چندین نقش سنگی آناهیتا و نقوش دیگر با هم، به نظر

می‌رسد که بانوان ساسانی پیراهن بلند بسیار پرچین و گشاد می‌پوشیدند و آن را با نواری در زیر سینه (مانند بانوان اشکانی) جمع کرده، می‌بستند... گاهی چادری گشاد و پرچین سر می‌کردند که تا به وسط ساق پا می‌رسیده است. نقوشی که از بانوان ساسانی در بشقاب‌های نقره‌ای مانده حکایت می‌کند که هریک از بانوان، چادری به خود پیچیده دارند».

۳- پوشش زنان در شاهنامه فردوسی : در قسمت‌های مختلف شاهنامه وقتی سخن از زنان نیکوی ایران باستان و حجاب آنان به میان آمده است، از اخلاق خوب، پاکدامنی، شوهرداری و حجاب آنها تجلیل شده است.

چنین گفت شیرین که ای مهتران	جهان گشته و کار دیده سران
بسی سال، بانوی ایران بدم	بهر کار پشت دلیران بدم
نجستم همیشه جز از راستی	زمن دور بُد کثری و کاستی
سه چیز باشد زنان را بهی	که باشند زیبای گاه مهی
یکی آنک با شرم و با خواستست	که جفتش بدو خانه آراستست
دگر آنک فرخ پسر زاید او	ز شوی خجسته بیفزاید او
سه دیگر که بالا و رویش بود	به پوشیدگی نیز مویش بود
بدانگه که من جفت خسرو بدم	به پوشیدگی در جهان نوبدم
مرا از هنر موی بد در نهان	که او را ندیدی کس اندر جهان
نمودم همه پشت این جادویی	نه از تنبل و مکر ز بد خوبی

سخن ته‌مینه همسر رستم :

به گیتی ز خوبان مرا جفت نیست	چومن زیر چرخ کبود اندکیست
کس از پرده بیرون ندیدی مرا	نه هرگز کس آوا شنیدی مرا

سخن منیره :

منیره منم دخت افراسیاب	برهنه ندیده رخم آفتاب
------------------------	-----------------------

(شاهنامه چاپ مسکو)

۴- دیدگاه برخی نویسندگان در مورد تغییر فرهنگ و حجاب

۱- فرانتس فانون جامعه‌شناس مشهور فرانسوی در کتاب «انقلاب الجزایر یا بررسی جامعه‌شناسی یک انقلاب» به بررسی نقش حجاب زنان الجزایری در مقابل استعمار فرانسه پرداخته و سیاست‌های سرسختانه استعمار را در مبارزه با حجاب زنان الجزایر مورد بحث قرار داده است. وی در این کتاب می‌نویسد که سیاستمداران استعمار به این نتیجه رسیده بودند: «هر چادری که دور انداخته می‌شود افق جدیدی را که برای استعمار ممنوع بوده در برابر او می‌گشاید و پس از دیدن هر چهره بی‌حجابی، امیدهای حمله‌ور شدن استعمار ده برابر می‌شود».

۲- مستر همفر جاسوس انگلیسی: وی که در کشورهای اسلامی سال‌های زیادی از طرف انگلیس برای محو اسلام جاسوسی کرده است، می‌گوید: «با این بیان که حجاب را خلفای بنی عباس درست کردند و یک برنامه اسلامی نیست، باید زنان مسلمان را فریب داد و از زیر چادر بیرون کشید، پس از آنکه زنان را از چادر بیرون آوردیم باید جوانان را به عشق‌بازی با زنان تشویق کنیم و فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهیم. لازم است زنان غیرمسلمان بدون حجاب ظاهر شوند و آنها را الگو نمائیم تا زنان مسلمان از آنان یاد بگیرند».

۳- کنت دمارانش: او رئیس سابق جاسوسی فرانسه، مشاور شخصیت‌هایی چون شارل دوگل، هنری کیسنجر، رونالد ریگان، پمیدو، ژیسکار دستن و ... بوده است.

او به ریگان رئیس جمهور سابق امریکا می‌گوید: «شما نمی‌توانید با یک عقیده به وسیله تانک و هواپیما مبارزه کنید شما باید با هر عقیده‌ای به وسیله عقیده بجنگید.» این بار دشمن ما مذهب است اصول‌گرایان تا زمانی که یکی از اعضای مخالفشان زنده مانده باشد احساس آرامش نخواهند کرد.»

۴- دیوید کیو (مامور سازمان سیا): «مهمترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم.»

۵- میشل هولباک نویسنده فرانسوی: «جنگ بر ضد اسلام گرای با کشتن مسلمانان فایده‌ای ندارد، فقط با فاسد کردن آنها می‌توان به این پیروزی دست یافت، پس باید به جای بمب بر سر مسلمانان دامن‌های کوتاه فرو ریزیم.»

۶- همراهی با قرآن یا قرآن به همراه داشتن: اگر یک جلد قرآن در کیف یا ماشین خود نگه می‌داریم و گاهی هم چند آیه از آن تلاوت می‌کنیم خوب است اما اگر بتوانیم عمل خود را منطبق با دستورات آن نماییم در راه سعادت و کمال خود گام برداشته‌ایم. در آیه ۶۵ سوره عنکبوت آمده است.

«مردمی هستند که در هنگام خوشی، با خدا رابطه‌ای ندارند. اما همین که در تنگنای مشکلات و میان‌کشتی وسط دریا و در حال غرق شدن قرار گرفتند [با خدا رابطه برقرار می‌کنند] و خدا را با اخلاص می‌خوانند که ای خدا! اگر ما را نجات بدهی در عمل به دستورات دین چنین و چنان می‌کنیم. ولی همین که خدا آنها را از مشکلات نجات داد. همه چیز را فراموش کرده، مشرک می‌شوند». باید بدانیم شرک مایه ذلت و بدبختی در دنیا و آخرت است و توحید مایه عزت و سعادت در هر دو جهان است. پس بیاییم با قرآن همراهی کنیم (به آن عمل کنیم). نه صرفاً قرآن را در مجالس ختم، سر سفره عقد، در خودرو و کیف شخصی بگذاریم.

۷- حجاب کدامیک ضروری‌تر است؟

گاهی چند خانم در خیابان، کوچه و مغازه دیده می‌شوند. اغلب که جوانتر و زیباترند نسبت به حجاب بی‌توجه‌تر و آرایش و جلوه‌گری‌شان بیشتر است! چرا خلاف شرع (دستور قرآن) قانون و عقل است؟ همه می‌دانیم در موزه‌ها اشیاء زیباتر و قیمتی‌تر، محفوظ‌تر و مراقبت از آنها شدیدتر است چرا؟ به خاطر خطری که متوجه آنهاست (که در آیه ۵۹ سوره احزاب به آن اشاره شده است) پس ای دختران جوان و زیبا! در برابر مردان گرسنه شهوت خود را مصونیت بخشید. سرپرست دختران جوان و زیبا باید دختران خود را از حساسیت جنسی مردان آگاه سازند به‌ویژه موهای زن که یکی از مظاهر بسیار زیبای آفرینش پروردگار است و اثرات روانی خاصی روی مردان دارد.

پدرم گفت که ای دخت نکو بنیادم	زلف بر باد مده تا ندهی بر بادم
مادرم گفت که ای دختر نیکو سیرم	در قیامت چه کنم، گر نکنی امدادم

۸- مردان و تقوای چشم

در کتاب کیمیای محبت توصیه‌ای زیبا از شیخ رجبعلی خیاط (آن مرد وارسته) آمده است. ایشان می‌فرمایند: «چشم‌ت به نامحرم می‌افتد، اگر خوش‌ت نیاید که مریضی!! اما اگر خوش‌ت آمد، فوراً چشم‌ت را ببند و سرت را پایین بینداز و بگو (خدایا من تو را می‌خواهم، اینها چیه، اینها دوست داشتنی نیستند. هر چه که نباید دلبستگی نشاید...)»

۹- کنترل نگاه از گناه: (چگونه می‌شود چشم را کنترل کرد؟)

۱- خدا باوری: اعتقاد به خدا و اینکه انسان در محضر خداست و خدا ناظر بر تمام احوال آدمی

است به انسان کمک می‌کند نگاه خود را کنترل نماید امام صادق (ع) می‌فرماید فرو بستن چشم از نگاه میسر نیست مگر اینکه انسان عظمت و جلال پروردگار را در قلبش مشاهده کرده باشد. از حضرت علی (ع) این سؤال شد که توانایی بر کنترل چشم چگونه حاصل می‌شود؟ فرمودند: اینکه خود را تحت قلمرو سلطان آگاه از همه مسائل بدانی و تسلیم او باشی.

۲- توجه به آثار فرو بستن چشم: اگر انسان بداند کنترل نگاه چه آثار و برکاتی دارد به ادامه انجام آن ترغیب می‌گردد.

چهار اثر و برکت مهم:

(الف) کسی که چشمش را فرو بندد، دلش را آرام کرده است. امام علی (ع) می‌فرماید: کسی که چشم فرو بندد، دلش را صفا داده است.

(ب) کشف حقایق: پیامبر (ص) فرمودند: چشمتان را فرو بندید تا عجائبی را ببینید.

(ج) شیرینی عبادت: رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: مسلمان چشم خود را از زن نامحرم نمی‌بندد مگر آن که خداوند شیرینی عبادتش را در دل او ایجاد می‌کند.

(د) گرفتار عذاب الهی نشدن: رسول خدا (ص) فرمودند: کسی که چشمش را از حرام پر کند خداوند روز قیامت چشمش را از آتش پر خواهد کرد. مگر آن که توبه کند و برگردد.

۳- پرهیز از عوامل تحریک‌زا: تخیلات تحریک‌کننده، رفت و آمد در جاهایی که نامحرم است، گفت‌وگو با نامحرم، دیدن فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل، زمینه را برای چشم‌چرانی فراهم می‌کند.

۴- دقت در دوست‌یابی: امام علی (ع) می‌فرمایند: از معاشرت با مردم فاسد پرهیز که طبیعت تو، ناخودآگاه ناپاکی را از طبع آنها سرقت می‌کند.

۵- ازدواج: یکی از راه‌های مؤثر در کنترل نگاه، ارضای صحیح غریزه جنسی از طریق ازدواج است رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: از گروه جوانان! هریک از شما که قدرت ازدواج دارد حتماً اقدام کند، زیرا این بهترین وسیله است که چشم را از نگاه‌های آلوده و عورت را از بی‌عفتی محافظت می‌کند.

علی (ع) فرمود: قلب، کتاب چشم است (نهج البلاغه حکمت ۹ ۴ صفحه ۷۲۷)

(آنچه چشم بنگرد در قلب نشیند)

ب) منابع

- ۱- زن در آینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی، نشر اسراء
- ۲- حجاب‌شناسی: چالش‌ها و کاوش‌های جدید، حسین مهدی‌زاده، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمی قم
- ۳- مسأله حجاب، مرتضی مطهری، نشر صدرا
- ۴- دختران، پندها و هشدارها، محمود اکبری، انتشارات گلستان ادب
- ۵- آسیب‌شناسی شخصیت زن، محمد رضا کوهی، انتشارات پارسایان
- ۶- حجاب در فرهنگ اسلامی، سید حمید میرخندان، نشر نهاد ریاست جمهوری
- ۷- نظام اسلامی و مسأله حجاب (مجموعه مقالات و گفتگوها)، سید جعفر حق‌شناس، نشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان
- ۸- نگرشی دیگر به حجاب، عبدالحمید واسطی، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی.
- ۹- حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، فتحیه فتاحی زاده، بوستان کتاب قم